

"بسم الله الرحمن الرحيم"

متن مسابقه "تجلی امامت در پرتو غدیر خم"

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سِدْرَةَ الْمُنتَهَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَنَّةَ الْمَأْوَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَنْفُسَنَا

مقدمه:

حَجَّةُ الْوَدَاعِ، تنها حج پیامبر اکرم(ص) بعد از اسلام است. رسول اکرم(ص) پس از هجرت به مدینه، سه بار برای عمره به مکه رفت؛ اما به گفته مورخان و محدثان، فقط یک بار در مراسم حج حضور یافت و آن چند ماه پیش از وفاتش بود. از آنجا که این حج در آخرین سال عمر آن حضرت(ص) واقع شد و پیامبر در آن با مسلمانان وداع کرد، به حجة الوداع (حج خداحافظی) مشهور است. بنابر باور شیعه و تعدادی از دانشمندان و بزرگان اهل سنت، پیامبر(ص) در بازگشت از این سفر، در غدیر خم، به دستور خداوند امامت و ولایت امام علی(ع) را به صورت عمومی اعلام کرد و از مردم بر این امر، بیعت گرفت؛ بدین رو این حج، برای شیعیان و مسلمانان اهمیتی ویژه دارد.

شاید بارها از خود پرسیده‌اند: روح این اعمال چیست؟ جسم این اعمال، زیبا و خواستنی است و انسان را غرق لذت و بهجت می‌کند و شیرینی آن هرگز از کام جان بیرون نمی‌رود اما روح آن چه؟ آنچه تقدیم می‌شود اقتباس از مطالبی است که در این زمینه از نگاهی امام محور مطرح گردیده است و چه زیباست توجه به اسلامی که در امام مجسم شده است. آری اگر خداوند فرمود: وَ آتَاكُم مِّنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ؛ در حج که رفتاری آخرالزمانی است همگان مطلوب خویش را که منجی همه عالم (و نه تنها عالم بشریت) است فرا می‌خوانند چرا که هرچه بخواهیم به ما داده شده است و حج، نماد این آتی در برابر آن سؤال است.

اولین سوالی که برای هر کسی ممکن است پیش آید که چرا پیامبر اکرم ص به فرمان خداوند بعد از سفر حج امیرالمومنین علیه السلام را بعنوان امام در غدیر خم معرفی کرد. به نظر میرسد که در سفر حج خداوند درس امام شناسی را به مردم یاد داد ولی ظاهراً متوجه این درس نشده و فقط به جنبه یک کار دینی نگاه کردند. لذا بر آن میدانیم قبل از بیان خطبه غدیر خم توضیحی در رابطه با سفر حج از منظر امام شناسی و معرفت به امام مطالبی مطرح گردد.

حج

تمرین رفتار با امام(ع)

قالت فاطمه(س): قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم): مَثَلُ الْإِمَامِ، مَثَلُ الْكِعْبَةِ؛ مَثَلِ إِمَامِ(ع) مَثَلِ خَانَةِ كِعْبَةٍ اسْت؟ مَا دَرِ مَنَاسِكُ حَجِّ يَادِ مِيْ كِيْرِيْمِ كِهْ چِگونِهْ بَا إِمَامِ رِفْتَارِ كُنِيْمِ،

۱. سوره مبارکه ابراهیم، آیه ۳۴

۲. الف) قلت: يا سيدي أليس هذا الأمر لكم؟ قال: نعم. قلت: فلم تعدتم عن حَقِّكم و دعواكم و قد قال الله تبارك و تعالی: وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ قَالَ: فما بال أمير المؤمنين قعد عن حَقِّه؟ قال: فقال: حيث لم يجد ناصراً، أو لم تسمع الله تعالى يقول في قصته لوط: قَالَ لَوْ أَن لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ أَوْى إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ و يقول حكاية عن نوح عليه السلام: فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ و يقول في قصته موسى: رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَ أَخِي فَأفْرِقْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ فإذا كان النبي صلى الله عليه و آله هكذا فالوصي أعذر. يا جابر مثل الإمام مثل الكعبة تؤتي و لا تأتي «كفایه الاثر ۲۴۶»/ الإنصاف في النص على الأئمة ع با ترجمه رسولي محلاتي متن عربی ۱۸۱ الثامن و المائة نص - ... ص: ۱۷۹

ب) و روی محمود بن لبید عن سیدة نساء العالمین فاطمة الزهراء أم الأئمة علیها السلام فی حدیث رواه عنها یتضمّن النصّ علی الأئمة الإنثی عشر إلى أن قال محمود بن لبید: فما باله قعد عن حَقِّه یعنی علیا علیه السلام؟ قالت: یا أبا عمر لقد قال رسول الله صلى الله عليه و آله: مثل الإمام مثل الكعبة تؤتي و لا تأتي، أو قالت مثل علی، ثم قالت: أما و الله لو تركوا الحقّ علی أهله و اتبعوا عترة نبيهم لما اختلف في الله تعالى إنسان، و لورثها الخلف عن سلف، و خلف بعد خلف، حتى يقوم قائمنا التاسع من صلب ولدي الحسين عليه السلام، و لكن قدّموا من آخره الله و آخروا من قدّمه الله «بحار ج ۳۶، ص ۳۵۳»./ الإنصاف في النص على الأئمة ع با ترجمه رسولي محلاتي متن عربی ۵۳۳ الإبراد العاشر: ... ص: ۵۳۲

وقتی که خانه کعبه را طواف می‌کنیم، یاد می‌گیریم چگونه دور امام بچرخیم، دور امام چرخیدن یک نوع کنایه است، یعنی حواس انسان، مدام معطوف امام باشد، هفت بار که خانه کعبه را طواف می‌کنیم سعی کنیم حواسمان جمع باشد؛ کسی که مکه می‌رود به قصد خانه کعبه می‌رود، کسی که به دنیا می‌آید به نیت امام، به دنیا می‌آید. بقیه چیزهایی که در مکه هست حاشیه بر اصل است؛ هر قسمت از ماجرا را که نگاه می‌کنیم، تمرین نوعی رفتار با امام است؟

حج اکبر:

وَ أَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَيَّ النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ رَسُولُهُ؛ حج معمول، آن حجی است که هر سال مُشرف می‌شوند، اما حج اکبر چیست؟ امام صادق (ع) می‌فرمایند: حج اکبر، ظهور امام زمان (عج) است. در حج معمول، باید تمرین کنیم تا در زمان حج اکبر بدانیم با خانه کعبه اصلی، یعنی امام (ع) چگونه رفتار کنیم. حج اصلی همان برنامه ظهور است؛ و این حجی که الان هست، تمرین رفتار در زمان ظهور است، این تمرین نمادین که از زمان پدر ما آدم (ع) آغاز شده و با پدر ملت اسلام یعنی ابراهیم (ع) قوام یافته و با پیامبر اعظم (ص) به کمال رسیده است، تمرین چیست؟

ابراهیم (ع)، با بنای کعبه و مناسک حج، طالب این نبوده است که: خدایا! خانه ای ساختم، به من یاد بده چگونه دور آن بچرخم! ایشان خانه کعبه را بنا کرد زیرا دنبال ظهور امام زمان (عج) بود و در این راستا رفتارهایی را به اسم مناسک حج از خدا درخواست می‌کند: رَبَّنَا وَ اجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَ مِنْ دُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَ أَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَ تَبَّ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ وَ منظور ایشان این بود که: خدایا! به من رفتار در قبال امام زمان را یاد بده که در قبال امام زمان (عج) چه کنم؟ و خداوند یکسری رفتارها را به ایشان یاد می‌دهد (وگرنه معنای قابل‌ذکری از این ماجرا استخراج نمی‌شود؛ ضمن اینکه ایشان جزو صالحین مذکور در قرآن هستند و به استناد قرآن، صالحین، یعنی کسانی که تمام حواسشان معطوف آینده الهی است و تنها هدفشان اصلاح عالم و آدم به سمت ظهور امام زمان (عج) و برپایی بهشت حکومت حقه اهل بیت (ع) می‌باشد. لذا طبق آیات ۸۳ تا ۸۵ شعراء، درخواست

۳. علل الشرائع: إسماعیل بن مهران عن الصادق علیه السلام قال: إذا حج أحدكم فليختم حجه بزيارتنا لأن ذلك من تمام الحج. عن أبي جعفر عليه السلام قال: تمام الحج لقاء الامام / دور الأخبار با ترجمه متن عربی ۶۸۶ / الحج و العمرة منتخبات الجزء السادس و التسعين من بحار الأنوار ۱۸ حدیثا ص: ۶۷۶ / علل الشرائع ج ۲ ۴۵۹ ۲۲۱ باب العلة التي من أجلها وجبت زيارة النبي ص و الأئمة ع بعد الحج ص: ۴۵ / عيون أخبار الرضا عليه السلام ج ۲ ۲۶۲ ۶۶ باب في ذكر ثواب زيارة الإمام علي بن موسى الرضا ع ص: ۲۵ / الكافي ج ۴ ۵۴۹ باب إتيان الحج بالزيارة ص: ۵۴

۴. سوره توبه (آیه ۳) وَ أَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَيَّ النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ رَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَلَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَ نَشِرُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ و این، اعلامی است از ناحیه خدا و پیامبرش به (عموم) مردم در روز حج اکبر که: خداوند و پیامبرش از مشرکان بیزارند! با این حال، اگر توبه کنید، برای شما بهتر است! و اگر سرپیچی نمایید، بدانید شما نمی‌توانید خدا را ناتوان سازید (و از قلمرو قدرتش خارج شوید)! و کافران را به مجازات دردناک بشارت ده!

۵. الف) ۴۰ شی، تفسیر العیاشی عن جابر عن جعفر بن محمد و ابی جعفر ع فی قول الله و اذان من الله و رسوله إلى الناس يوم الحج الأكبر قال خروج القائم و اذان دعوته إلى نفسه / بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار ج ۵۱ ۵۵ باب ۵ آیات المؤولة بقیام القائم ع ص: ۴۴ / بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۵۱، ص: ۵۶

ب) آن روز، روز ظهور قائم آل محمد است که بنی امیه نومید می‌شوند و آنها هستند که کافر گشته و از آل محمد نومید می‌باشند. (۱) ۲۳- وَ أَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَيَّ النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ رَسُولُهُ یعنی: در روز حج بزرگ از جانب خدا و رسول به مردم اعلان می‌شود. در تفسیر عیاشی از امام پنجم و ششم روایت شده که فرمودند: (حج بزرگ) ظهور قائم است و (اعلان) دعوت مردم است / مهدی موعود- ترجمه جلد سیزدهم بحار متن ۲۶۱ باب پنجم آیاتی که در روایات اهل بیت تأویل به ظهور امام زمان (ع) شده است.

۶. سوره مبارکه بقره آیه ۱۲۸

صالحیت ایشان از پیشگاه خداوند، با درخواستِ وارثِ جنتِ النّعمِ شدنِ ایشان توأم است؛ به عبارت دیگر اصلاح ارض به سمت بهشت پر نعمت)

کانال این مسجد جامع غدیر خم
@masjed_ghadirkhom
سایت مسجد جامع غدیر خم
masjedeghadirkhom.ir

تصویری واقعی برای عرفات، مشعر و منا

چرا خداوند این قدر برای حج، قیمت قائل شده است؟ چرا برای مردم (اگر مستطیع باشند)، یکبار واجب می‌شود که حج بروند و حج بگذارند؟ و همه، يك نوع رفتار انجام دهند! چرا این خیل مردم در سه بیابان به دنبال هم، به نام عرفات، مشعر و منا جمع می‌شوند، چرا این سه مرحله را باید جلو بروند؟ چرا در نهایت در منا به نمادهایی از شیطان سنگ می‌زنند؟

وقتی این موضوع را دنبال می‌کنیم، تنها تصویر واقعی که برایش پیدا می‌کنیم، آخرالزمان است؛ چند میلیون حاجی، همه یکرنگ؛ همه باید لباس‌های دنیائی شان را در بیاورند و به لباس جدیدی آراسته شوند؛ ابتدا در عرفات تزکیه شوند؛ یک شب را در مشعر بگذرانند و صبح از آنجا عبور کنند تا به سرزمین منا وارد شوند؛ در منا اولین کاری که انجام می‌دهند سنگ زدن به نماد شیطان است؛ باید رمی جمره کنند و روز دوم و سوم نیز به منا، بروند و دوباره سنگ بزنند؛ هر روز باید بروند و به هر سه نماد شیطان (جمرات)، سنگ بزنند.

این رفتارها کاملاً حاکی از رفتارهای آخرالزمانی است، یعنی مصداق عینی آن را در آخرالزمان می‌یابیم؛ انسان‌ها، از این زندگی معمولی که دارند بیرون می‌آیند؛ افراد، در هر شغل و کسوت و خانواده‌ای که هستند، تغییر وضعیت می‌دهند و همه حرکت می‌کنند، با يك نوع لباس یعنی لباس سربازی برای امام؛ همه دست به دعا بلند می‌کنند که خدایا پس کی، امام زمان (عج) می‌آید؟ آن هم در عرفات؛ و جالب است که در عرفات، عموم فریادها برای امام زمان (عج) است؛ خدایا! امام زمان کجا هستند؟ (عمده دعاها در این رابطه است).

سپس عبور می‌کنند و به سمت مشعر و سرزمین منا می‌روند؛ تا نیمه‌شب در مشعر هستند، به محض طلوع آفتاب، به سمت منا حرکت می‌کنند؛ و همانطور که اشاره شد اولین کاری که در منا انجام می‌دهند، رمی جمره است؛ چه زمانی؟ زمانی که خورشید طلوع می‌کند (یعنی طلوع فجر)؛ با توجه به اینکه اسم ماجرای ظهور، یوم‌الله است، معنی آن اینگونه می‌شود: وقتی که یوم‌الله طلوع کرد، شیعیان حرکت می‌کنند و اولین کسی را که نابود می‌کنند ابلیس است، یعنی بجای سنگ زدن به شیطان، با خود شیطان می‌جنگند.

علت عظیم شمرده شدن حج

چرا حج، عظیم شمرده شده است؟ چرا خداوند این همه به حج، دعوت کرده است؟ حدیثی در ابتدای کتاب حیات القلوب هست مبنی بر اینکه هر پیامبری مأمور بوده است که خودش با امام زمان (عج) آشنا شود و قومش را نیز آشنا کند؛ خودش به سمت امام زمان (عج) حرکت کند و قومش را نیز به آن سمت، حرکت دهد؛ ابراهیم (ع) چگونه قومش را آشنا کرد؟ چگونه آنها را به سمت امام زمان حرکت داد؟ با مناسک حج؛ و این موضوع را باقی گذاشت؛ و هر پیامبری که آمد، به قوم خود گفت: این

۷. معانی الأخبار، ص: ۳۶۷ ذیل آیه ۵ سوره ابراهیم: فذکرهم بأیام الله

مناسك را دنبال كنيد؛ حضرت رسول الله(ص) كه تشریف آوردند، فرمودند: همین مناسك؛ چرا؟ چون این مناسك حج، همان است كه مردم به وسیله آن به سمت امام زمان(عج) دعوت می‌شوند.

وقتی این قطعات را کنار هم بگذاریم، نتیجه می‌گیریم كه حج باید در راستای دعوت به امام زمان و رفتار در قبال امام زمان باشد و از این منظر كه به حج نگاه می‌كنیم و آن را تفسیر می‌كنیم، مباحثی از مناسك حج، برایمان باز می‌شود كه واقعاً تعجب می‌كنیم.

درس رمی جمرات

چرا این همه مردم به نماد شیطان، سنگ می‌زنند؟ مگر سنگ زدن به شیطان، چقدر اهمیت دارد؟ نگاه می‌كنیم، می‌بینیم خداوند خودش این موضوع را بزرگ شمرده است؛ همه ساله، میلیون‌ها نفر را از اقصی نقاط جهان، اینجا می‌آورد تا به نماد شیطان، سنگ بزنند! چرا؟ چون هنگامی كه سنگ زده می‌شود، تازه، شروع بحث است كه باید عملاً هم سنگ بزنیم؛ نه این‌كه فقط سنگ زدن نمادین باشد. درس این حرکت، مبارزه عملی با شیطان است. شیطان در دوران ظهور نابود می‌شود تا بشر به حیات واقعی و آرماني خود دست یابد (بنا بر روایات، مخصوصاً روایت ذیل آیه حجر / ۳۶ تا ۳۸ ... الی یوم وقت المعلوم، بعد از ظهور امام زمان(عج)، و پس از جنگ‌های شدید بین انسان‌ها و شیاطین كه مادی شده اند، شیاطین نابود شده و ابلیس توسط امام زمان(عج)، گردن زده می‌شود؛ بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۳۷۷ / معجم احادیث امام مهدی(عج) ج ۵ ص ۱۹۷ ح ۱۶۲۰).

خانه كعبه (قبله)، نماد چیست؟

بنابراین در قالب موضوع حج، به ما یاد می‌دهند كه چگونه با امام زمان(عج) رفتار كنیم. رفتارهای مختلف را به ما نشان می‌دهند؛ در مورد ظواهر اعمال حج، از إحرام گرفته تا طواف و سعی و وقوف و رمی جمرات و قربانی، آن چیزی كه اهمیت دارد روح این صحنه هاست؛ كل ماجرا نمادی از ماجرای ظهور است.

در قرآن، درباره قبله آمده است كه چهره‌هایتان را به سمت قبله قرار دهید. درباره امام زمان(عج) همین را داریم كه به هر طرف چهره‌تان را قرار دهید، به هر طرف كه رو كنید، امام زمان را در آن سمت می‌بینید، «فأینما تولّوا فثمّ وجهُ الله»؛ به هر طرف كه رو كنید امام زمان را می‌بینید. خانه كعبه هم كه قبله است، نمادی از «أینما تولّوا فثمّ وجه الله» است.

صحرای عرفات :

در قبال امام زمان(عج)، چه باید كرد؟ به ما یاد می‌دهند از خانه و زندگی خود بیرون بیا، از هر محله و هر كشوری كه هستی، از موقعیت اجتماعی و مالی و خانوادگی و از پُست و مقام و زن و بچه و امثال اینها بیرون بیا و برو آنجا؛ به آن حوالی كه رسیدی لباس را عوض كن، لباسی سفید بپوش (نه این لباس معمول)؛ يك لباس غیر معمول، با رفتاری غیر معمول؛ چون رفتارهای غیر معمول (و در

۴. [بقره ۱۱۵] ص ۱۸ - وَ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَ الْمَغْرِبُ فَأَیْنَمَا تَوَلَّوْا فَنَّمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِیمٌ. خاور و باختر خدای راست پس به هر سو كه روی آرید همانجا صورت خداست؛ خداوند، وسعت دهنده و بسیار داناست.

عین حال بسیار مثبت)، نشان از آخرالزمان است. در فضایی که با فضای زندگی معمول، بسیار تفاوت دارد؛ انسان، وقتی خود را در این فضا تجسم می‌کند، خیلی اثر گذار است.

آنجا قبل از شروع مراسم حج، در جوار خانه خدا (در مسجدالحرام)، مدام نگاه می‌کنیم، قبله‌نما و جه‌الله است! خدا می‌خواهد چه درسی به ما بدهد؟ ماجرا چیست؟ چرا به ما امر شده است که از زندگیمان دست بکشیم و به اینجا بیاییم؟ انسان، مناجات می‌کند، دل می‌سپارد، تا مراسم شروع شود؛ وقتی که مردم به صحرائی عرفات می‌روند، به آنها گفته می‌شود: از اینجا (یعنی از صحرائی عرفات) شروع کنید، مناجات کنید؛ نماز شروع آخرالزمان (با مناجات و درخواست ارتقاء) آنجا کوهی است به نام جبل‌الرحمه؛ وسط یک میدانگاه؛ چرا؟ همه چیز در حج، نماز است؛ کعبه: نماز امام زمان (عج)؛ جبل‌الرحمه: نماز رحمت، آن سنگ‌ها (جمرات): نماز ابلیس.

در عرفات، این کوه سنگی بزرگ که در وسط هست و مملو از جمعیت می‌شود، نامش جبل‌الرحمه است؛ چرا؟ از این منظر نگاه کنیم: کل حج نمادی از ظهور است. پس این جبل‌الرحمه، کوه رحمت است که در ماجرای ظهور به‌کار می‌آید. جالب است که امام حسین (ع) (که ارتباط قرآنی و حدیثی جالبی با موضوع رحمت و رحمه للعالمین دارند) مناجات معروفشان را جلوی آن کوه خوانده‌اند.

مراسم حج از صحرائی عرفات شروع می‌شود، ابتدا، انسان درون آن فضا، همراه می‌شود، مناجات می‌کند؛ و این نتیجه گرفته می‌شود که در قبال آخرالزمان، ابتدا باید با مناجات و درخواست، با تزکیه و درخواست توبه، با طلب مغفرت، با دعا و درخواست ارتقاء، شروع کرد. در صحرائی عرفات، ناله‌ها که بلند می‌شود، می‌بینیم که همه دارند دعای فرج می‌خوانند؛ همه برای ظهور دعا می‌کنند؛ در حالی که شاید ندانند چرا این کار را می‌کنند. این ماجرا ارتباط عجیبی به امام زمان (عج) دارد.

در مجموع، چرا آن جبل‌الرحمه درون صحرائی عرفات؟ شاید خداوند ابتداءً می‌خواهد بفرماید که ماجرا با رحمت شروع می‌شود، اگر هیچ چیز نباشد، خدا برای ما در آخرالزمان، کوهی از رحمت می‌فرستد، نگران نباشیم.

طلوع صبح ظهور

مردم تا غروب آفتاب، در عرفات، دعا می‌کنند سپس به سرزمین مشعر می‌آیند؛ گفته می‌شود: تا صبح طلوع کرد، حرکت کنید به سمت منا؛ برای اینکه با ابلیس دربیفتید. و این درس را بگیرید که باید در طلوع ظهور امام زمان (عج) به سمت شیطان، حمله کنید. بنابراین اولین کار آن خیل عظیم، آن جمعیت دو سه میلیون نفری، اینست که زودتر بروند و به نماز ابلیس، سنگ بزنند.

شیعیان در جستجوی حقیقتِ مناسک حج

برخی، به اندک قانع اند و می‌گویند: همه چیز، همین ظواهر است و چیزی جز این نیست. ما شیعیان می‌گوییم: نه! پشت این ظواهر، باطنی وجود دارد؛ ولی هرچه می‌گردیم آن باطن را نمی‌یابیم، به آن ظواهر هم راضی نیستیم.

از هر منظری که نگاه کنیم باز احساس می‌کنیم که گمشده‌ای هست. از منظر زیارت نگاه کنیم، خدا که زیارتگاه نمی‌خواهد. اگر بگوییم: می‌خواهیم برویم قبله را ببینیم؛ قبله که دیدن ندارد. اگر بگوییم می‌خواهیم برویم با خدا بیعت کنیم، بیعت کردن با خدا مراسم نمی‌خواهد. انسان، احساس می‌کند توجیهی وجود ندارد مگر آنکه حقیقتی و سری و رای این ظواهر، نهفته باشد.

شیعیان با مناسک و با آن اعمال نمادینی که به عنوان حج هست نمی‌توانند ارتباط برقرار کنند، و مثل سایر فرق مسلمین هم نیستند که احساس می‌کنند حج همان ظواهر است و به سرعت هم با آن ظواهر، ارتباط برقرار می‌کنند. لذا شیعیان می‌روند سراغ همان چیزی که از قدیم یاد گرفته‌اند؛ یعنی مناجات، توسل، ارتباط روحی با اهل بیت (ع) برقرار کردن، دلدادگی، همان چیزهایی که در هیئت‌ها و مساجد، از قبل آموزش دیده‌اند و حالا در آنجا چون از شهر و دیار و کسب و کارشان فارغ هستند، راحت‌تر می‌توانند دل و فکرشان را روانه کنند. از این جنبه موفق هستند، و آنجا از این توسلات و دل‌سپاری‌ها بهره می‌برند؛ اما اسمش بهره‌مندی از مناسک حج نیست. البته خداوند متعال اجرشان را عطا می‌کند، خداوند بسیار به ایشان محبت می‌کند. اما می‌خواهیم بگوئیم: از چه زاویه‌ای نگاه کنیم که مناسک حج، برایمان معنا پیدا کند؟ ما دعوت نشدیم به یک سری رفتارهای بی معنا؛ مسلماً اینها معنا دارد. حجی که بسیار مهم شمرده شده است، مسلماً معنایش هم مهم و عظیم است. خدایی که می‌فرماید: دنبال لُهو و لعب نباشید؛ مسلماً خودش برای مردم، لُهو قرار نمی‌دهد. خداوندی که دنبال تبیین آیات است، خداوندی که دعوت به تعقل و تفکر می‌کند، مسلماً کار غیر عاقلانه انجام نمی‌دهد. پس در این مناسک حج، خاصیتی هست؛ انسان از چه رمزی باید استفاده کند؟

مناسک حج

از این منظر (مناسک حج، نمادی از رفتارهای آخرالزمانی)، این مناسک، معنای عظیمی پیدا می‌کنند؛ احادیثی ذیل آیه سوم سوره توبه (و اذان من الله و رسوله إلی الناس یوم الحج الأكبر أن الله بري من المشرکین و رسوله)، در این رابطه وجود دارد.

حج اکبر چیست؟^۱ بر خورد برادران اهل سنت با این آیه، برخوردی معمولی است، به این صورت که هر چهار سال یک بار، به حج، حج اکبر گفته می‌شود؛ مثل اینکه می‌گوییم هر چهار سال یک بار، یک سال کبیسه است، به جای سیصد و شصت و پنج روز، سیصد و شصت و شش روز است؛ آنها با این آیه خیلی راحت رفتار می‌کنند، می‌گویند: هر چهار سال یکبار، حج، حج اکبر است؛ اگر امسال نرسیدیم بیابیم، سالی که حج اکبر است خودمان را حتماً می‌رسانیم. ولی اهل بیت (ع) می‌فرمایند: حج اکبر قیام امام زمان (عج) است؛ اگر اینگونه باشد، حج اصغر چیست؟ باید با قیام ارتباط داشته باشد؛ اگر به حج از منظر نماز ظهور بودن، نگاه کنیم، حج، معنا پیدا می‌کند و هر چیزی سر جای خودش

^۱ بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۵۱، ص: ۵۶

قرار می‌گیرد و انسان، علت‌ها را می‌فهمد؛ می‌فهمد وقتی گفته می‌شود: از هر شهر و دیاری که هستید بیرون بیایید، همه در يك سرزمین، به نام مکه جمع شوید، از منظر آخرالزمان یعنی از هر شهر و دیاری که هستیم بیاییم به سمت مکانی که امام زمان (عج) در آنجا هستند. سپس مُحَرَم شویم؛ چرا مُحَرَم شدن؟ لباس‌هایی که خودمان برای خودمان درست کرده‌ایم و گوناگون و رنگارنگ و نماد قومیت و ملیت‌مان است، نماد موقعیت شغلی و امثال اینهاست را بیرون بیاوریم و همه، يك لباس شویم. دو پارچه دوخته نشده و سفید؛ یکی به دور کمر و دیگری روی شانه؛ یعنی از ظاهر دنیا و از مادیات بیرون آمدن؛ در زمان ظهور، دنیا (به این معنای فعلی) تمام می‌شود. در قالب مناسک حج به ما یاد می‌دهند که از دنیایمان دست بکشیم و وارد ماجرای جدیدی بشویم. پس از مُحَرَم شدن، به صحرائی عرفات برویم. چرا عرفات؟ اول درباره آخرالزمان معرفت کسب کنیم (در قرآن، هفتاد بار آمده است: اول معرفت و ایمان، بعد عمل)؛ آنجا به دعا و مناجات و تزکیه پردازیم. در صحرائی عرفات نیاز هست که تفکر کنیم، توبه کنیم و خود را از افکار غیرخدایی تزکیه نماییم.

پس موضوع اول: پاک شدن از گناهان و رذایل (تزکیه)؛ در حدیث می‌فرماید: در روز عرفه، مطمئن باشید گناهانتان پاک شده است. اگر کسی شك کند که روز عرفه گناهانش بخشیده شده یا نه؟! خود این شك، گناه است؛ انسان حتی شك هم نباید بکند. پس بعد از اینکه از دنیا درآمدیم، قدم اول تزکیه است، توبه و معرفت است. سپس حاجی‌ها از حوالی غروب، به سمت صحرائی دوم یعنی صحرائی مشعر، حرکت می‌کنند.

مشعر

حاجیان تا صبح در مشعر به سر می‌برند و منتظر می‌شوند تا بعد از طلوع آفتاب، به سمت صحرائی سوم، حرکت کنند. چرا بعد از طلوع آفتاب؟ این طلوع آفتاب، نماد چیست؟ نماد مطلع الفجر؛ یعنی زمان ظهور امام زمان (عج)؛ یعنی قبل از ظهور، خودتان را آماده کنید، قبل از طلوع خورشید امام زمان (عج)، خودتان را آماده کنید. چرا اول عرفات، سپس مشعر؟ چون مشعر، نماد یوم‌الله ظهور است، نماد مطلع الفجر است. قبل از اینکه وارد ظهور امام زمان شوید خودتان را تزکیه کنید، هم معرفت و هم تزکیه؛ یعنی در آخرالزمان، در آن شرایطی که قرار داده می‌شود، پاک می‌گردید؛ حوادث آخرالزمان برای پاک شدن مؤمنین است. اگر انسان از این دید به مناسک حج نگاه کند، ماجرا خیلی معنا پیدا می‌کند.

منا نما چیست؟

با طلوع آفتاب (بعد از مطلع الفجر) وارد سرزمین منا می‌شویم. چرا؟ چون با ماجرای ظهور، انسان باید وارد کارزار شود؛ این موضوع دوم است: رمی جمرات در منا که نماذ ورود به صحنه کارزار با شیطان است؛ چه موضوعی را می‌خواهند به ما آموزش دهند؟

بعد از مطلع الفجر (یعنی زمان ظهور امام زمان (عج))، شما باید وارد کارزار شوید و با شیطان بجنگید. الان، این نماذ، خیلی ساده شده است؛ سنگ بزنید! به صورت نماذ هست تا همه بتوانند انجام دهند. ای انسان! مطلب را بگیر و با رفتار در قبال این نماذ که برای همه مسلمانان واجب است، تمرین کن.

حاجی، سه روز آنجا می‌ماند و هر سه روز باید سنگ بزند؛ سه نماد هست؛ سه عدد سنگ (جمرات)؛ یعنی باید جنگید. چرا سه روز؟ این نماد اینست که جنگ‌های زمان ظهور، زمان می‌برد.

ای انسان! باید به میدان بروی و با مظاهر ابلیس، جنگی؛ وقتی به مظاهر ابلیس سنگ زدیم، قربانی می‌کنیم و موهای سرمان را می‌تراشیم و با این حالت، به سمت کعبه می‌رویم، یعنی تا وقتی که ابلیس و نماد و مظاهر ابلیسی وجود دارد چه انتظاری از بهره‌مندی از امام زمان؟! حاجی، اول باید با نمادها و مظاهر ابلیس جنگد. آنها را پس بزند و وقتی که تمام شد، به سمت کعبه برود؛ این بیابان‌ها در جوار مکه است، سپس به مکه می‌رود و بقیه اعمال را آنجا به جا می‌آورد.

عمره: درس زندگی

حج تمتع: درس زندگی و ظهور

موضوع سوم: به سمت مکه و کعبه رفتن، به نوعی ادامه ماجرای آن سه صحراست و همانطور که اشاره شد مرتبط با امام زمان (عج) است؛ به این معنا که ما باید پروانه‌وار دور امام (ع) بچرخیم؛ از جنبه‌ای داستان ظهور است، از جنبه‌ای داستان زندگی است.

وقتی انسان، عمره می‌رود با آن سه صحرا کاری ندارد، فقط در خود مکه هست، اعمال داخل مکه را انجام می‌دهد، یعنی فقط درس زندگی می‌گیرد؛ در حج تمتع، انسان علاوه بر درس زندگی، درس ظهور نیز می‌گیرد.

چرا طواف؟

طواف دور خانه کعبه؛ تا انسان یاد بگیرد همیشه پروانه‌وار دور امام (ع) بچرخد؛ زندگی یعنی این؛ قبله، نماد امام زمان (عج) است، نماد وجه الله است و انسان باید پروانه‌وار، دور آن بچرخد، نمازش را به آن سمت بخواند، بیعتش را به آن سمت انجام دهد، و به آن سمت سلام کند (به سمت حجر الاسود)؛ سلام به حجر الاسود سلام به خداست و طواف‌ها نیز از مقابل حجر الاسود شروع می‌شوند.

انسان، کعبه را خدا نمی‌داند؛ یعنی امام زمان را نیز خدا ندانید؛ فرموده‌اند: صورت‌هایتان را به سمت قبله قرار دهید، در قرآن همین‌طور درباره امام زمان مطرح می‌شود: «أَيْنَمَا تَوَلَّوْا فَتَمَّ وَجْهَ اللَّهِ» درباره زمان ظهور هم گفته می‌شود: «أَيْنَمَا تَوَلَّوْا فَتَمَّ وَجْهَ اللَّهِ». البته در ماجرای اصلی، دیگر نماد نیست؛ انسان در زمان ظهور به هر سمت که نگاه کند امام را (معجزه گونه) پیش روی خود می‌بیند.

کانال ای‌تا مسجد جامع غدیر خم
@masjed_ghadirkhom
سایت مسجد جامع غدیر خم
masjedeghadirkhom.ir

۱. [بقره ۱۱۵] ص ۱۸ - وَ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَ الْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تَوَلَّوْا فَتَمَّ وَجْهَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ . مشرق و مغرب از آن خداست پس به هر سو که روی آورید همانجا وجه الله است؛ خداوند وسعت دهنده و بسیار داناست.

سعی بین صفا و مروه

به خاطر امام حرکت کردن

موضوع چهارم: در زندگی دنبال قرب و معرفت اهل بیت (ع) بودن؛ از نگاه ظهور بین، سعی بین صفا و مروه، چگونه معنا می‌شود؟

یعنی به خاطر امام (ع) حرکت کن، حتی اگر شده مسافت بین دو کوه را چند بار بروی، خسته نشو، حتی قسمتی را به حالت نیمه دویدن (هروله) بدو؛ به جستجوی آب حرکت کن؛ آب نماد چیست؟ آب نماد علم و معرفت است؛ آب را جستجو کن حتی در مسافت‌های طولانی (مسافت بین صفا و مروه، حدود چهارصد متر است؛ مسافت سعی، حدود سه کیلومتر می‌شود)؛ در آن شلوغی، به کثرت کاری نداشته باش، به جستجوی آب باش و این رفتار نمادین را انجام بده. در زندگی نیز همیشه این‌طور باش، دنبال معرفت و قرب اهل بیت (ع) باش؛ نه اینکه برویم دو تا کوه پیدا کنیم و بین آنها، بدویم؛ نه! بین این دو کوه مشخص که قرار داده شده است، رفتار نمادین «جستجوی آب» را انجام بدهیم، یعنی در آن محدوده‌هایی که طبق قرآن و حدیث برایمان قرار داده شده است، دنبال قرب اهل بیت (ع) باشیم، دنبال معرفت اهل بیت (ع) باشیم؛ نه اینکه خودمان برویم کتاب‌های غربی و شرقی را پیدا کنیم و بگوییم: من این را انتخاب کردم ببینم چه معرفتی در آن هست!

بله، ما می‌رویم دور خانه کعبه، هفت بار طواف می‌کنیم، بعد سعی بین صفا و مروه؛ دوباره می‌رویم و هفت دور دیگر طواف می‌کنیم؛ یعنی اول برویم با امام آشنا شویم، پروانه‌وار دور امام چرخیدن را یاد بگیریم، سپس برویم معرفت کسب کنیم؛ دوباره بیاییم و دور امام، پروانه‌وار بچرخیم. یعنی هفت دور دوم؛ و به لحاظ اینکه باید معرفت داشته باشیم، قاعدتاً با هفت دور اول متفاوت است. این نوع حج و به این صورت، درس زندگی می‌شود.

شهر مکه- نماد ملک عظیم

پس در ماجرای حج تمتع، بعد از این‌که انسان از عرفات می‌آید، وارد مشعر می‌شود و بعد به منا وارد می‌شود؛ یعنی بعد از این‌که دنیا تمام می‌شود و انسان وارد سرزمین‌های ماقبل ظهور می‌شود، در خلال صحنه‌ها، تزکیه می‌شود؛ از زمان طلوع خورشید امام زمان (عج)، انسان وارد کارزارهای زمان ظهور می‌شود و با مظاهر شیطان درگیر می‌شود. سپس صحنه عوض می‌شود: از صحنه کارزار درآمدن و درون شهر، کنار خانه کعبه رفتن؛ یعنی آن جنگ‌های زمان ظهور که تمام می‌شود، ملک عظیمی راه می‌افتد (آن ملک بسیار زیبایی اهل بیت (ع))؛ فضا عوض می‌شود، فضایی جنگ به فضایی بسیار زیبا و بهشت‌گونه تبدیل می‌شود. در حج نیز گفته می‌شود: از این صحراهای بی‌آب و علف و فضا‌های جنگی، که باید دنبال زدن نمادهای شیطان باشیم، بیرون بیاییم، و درون شهر و آبادی، بیاییم؛ در جوار کعبه قرار بگیریم. آنجا چه باید کرد؟

موضوع پنجم: انسان نگاه کند: آنهایی که عاقل‌ترند چه رفتاری دارند؟ سعی کند در زمان ظهور، آن رفتار را در قبال امام (ع) پیشه کند. می‌بینیم آنها علاوه بر آن رفتاری که انجام می‌دهند، دنبال معرفت

امام(ع) نیز هستند، دنبال علوم امام(ع) هم هستند؛ مردم نیز همین کار را انجام می‌دهند؛ یعنی اول آشنا شدن با امام و نحوه رفتار با امام، بعد معرفت پیدا کردن؛ سپس با معرفت بیشتر، وارد عرصه همنشینی با امام(ع) شدن.

از این منظر (نمادِ ظهور بودن حج)، قسمت به قسمت مناسک حج معنا پیدا می‌کند؛ ولی اگر از این منظر نگاه نکنیم، باید برای هر جزء، به سختی معنایی بسازیم و نهایتاً قسمت‌های مختلف را هم نمی‌توان کنار یکدیگر گذاشت، چون ارتباطی با هم پیدا نمی‌کنند.

حاجی

نمادِ یاوران امام زمان(عج)

به تعبیری حاجی یعنی سرباز؛ حاجی یعنی یاوران امام زمان(عج)؛ در این دنیا این رفتار نمادین را انجام می‌دهند تا در زمان ظهور، این رفتار نمادین را به صورت واقعی انجام دهند.

حج: مانور ظهور

در مانور، گلوله مخصوص مانور می‌دهند و یک رفتارهای قراردادی و نمادین انجام می‌دهند؛ گفته می‌شود: دشمن، پشت آن تپه‌هاست (دشمن فرضی)؛ آن چند نفر که آنجا می‌بینید، دشمن هستند، حمله کنید و آن تپه را بگیرید، چه خودی و چه دشمن فرضی، تیرهایشان مشقی است، بعضی می‌گویند: چرا این کارها را انجام می‌دهیم؟ چرا برای یک مانور، این همه خرج می‌کنیم؟ چون در مانور حس جنگ و حال و هوای جنگ به ما دست می‌دهد، ما یاد می‌گیریم و نیروهایمان را تمرین می‌دهیم، تجربه می‌کنیم، نقشه‌های جنگی‌مان را بررسی می‌کنیم، بهترین نقشه‌ها را آنجا پیاده می‌کنیم و در مجموع آمادگی رزمی‌مان را بالا می‌بریم. پس اینکه پول خرج می‌کنیم و مانور برگزار می‌کنیم، این پول هدر نرفته است، تمام ارتش‌های دنیا این منطق را دارند؛ چرا می‌گوییم: برای ظهور امام زمان(عج)، مانور منطقی نیست؟! چرا می‌گوییم شیعه نباید آموزش ببیند؟! شیعیان باید آموزش ببینند، تمام مسلمان‌ها باید آموزش ظهور ببینند و این موضوع به صورت حج برایمان واجب است؛ همان‌طور که خداوند نماز و روزه را واجب قرار داده، مانور ظهور را هم برایمان واجب قرار داده است.

جَبَل الرَّحْمَةِ

نمادِ رحمت خداوند در حوادث آخرالزمان

عرفات جایی پاک شدن از رذایل است؛ انسان‌ها باید در آنجا از رذایل پاک شوند تا بتوانند سراغ قسمت‌های دیگر بروند. در وسط صحرائی عرفات، جبل الرحمه، جلب توجه می‌کند، معنای وجودی این کوه چیست؟ (از همین منظر، یعنی) درون حوادث آخرالزمان که قرار گرفتیم، در آن فضایی که انسان‌ها باید تزکیه شوند، یادمان باشد خداوند کوهی از رحمت قرار می‌دهد، فکر نکنیم که رها شده‌ایم، فکر نکنیم که آن صحنه‌ها همه‌اش عذاب است! ما گرداگرد کوهی از رحمت قرار داریم؛ در این شرایط، از رحمت خدا مأیوس نشویم.

حجرالاسود

نماد پیمان انسان در عالم ذر

از ما پیمان گرفته‌اند درون دنیا که می‌آییم برای امام(ع) زندگی کنیم، نشان آن پیمان، حجر الاسود است؛ حجر الاسود کنار خانه کعبه است. حجر الاسود نشانی از پیمان ما در عالم ذر است، آن نشان را کنار نماد امام زمان(عج) گذاشته‌اند تا انسان بیاید نگاه کند و تفکر کند چرا حجرالاسود باید کنار خانه کعبه باشد؟ چرا نباید صد متر آن طرف‌تر باشد؟

انسان مدام به نشان، نگاه کند، مدام به نمادها نگاه کند؛ این‌ها چه ربطی به هم دارند؟ ما پیمان بستیم، باید به جستجوی امام و مولایمان باشیم. مدام به ما تذکر می‌دهند، حواسمان باشد؛ به حجرالاسود که می‌رسیم تجدید پیمان می‌کنیم، همان پیمان اول را تجدید می‌کنیم؛ ما اصلاً برای همین به دنیا آمده‌ایم. به این موضوع، بیشتر بپردازیم و بیشتر فکر کنیم.

یعنی ماجرای ظهور در نظام الهی، خیلی مهم است؛ از آن پیمان استمان، باید به یاد امام(ع) باشیم، در دنیا که پا می‌گذاریم باید زندگیمان پروانه‌وار، دور امام چرخیدن باشد. واقعاً معنای زندگی این است؟ آیا خداوند از ما همین را خواسته است؟

روی این موضوع و جنبه‌های این ماجرا فکر کنیم، قبل از اینکه به موسم حج برسیم، مدام تمرین کنیم تا هنگام مراسم اصلی حج، زرق و برق اطراف و نمایی ساختمان و امثال اینها برای ما جلب توجه نکند و کاملاً در حال و هوای مناسک باشیم.

هفت طواف برای هفت جلوه امام

در قرآن آمده است: و لقد آتيناك سبعاً من المثاني و القرآن العظيم، یا رسول الله! علاوه بر قرآن عظیم ما به شما «سبع مثنی» عطا کردیم؛ اهل بیت(ع) می‌فرمایند: سبع مثنی ما هستیم.^{۱۳}

اسامی اهل بیت(ع)، بدون تکرار، هفت تاست؛ اسم محمد، علی، فاطمه، حسن، حسین، جعفر و موسی، علیهم‌السلام؛ هفت تا اسم است. به عبارت دیگر هفت جلوه، هر جلوه را انسان یک بار طواف می‌کند، در مجموع می‌شود هفت بار؛ یعنی مولای من! به هر گونه که جلوه کنی، ما دور شما می‌گردیم، اگر در لباس جنگی باشید ما گرداگرد شما هستیم، اگر در لباس پادشاهی باشید ما گرداگرد شما هستیم، اگر در لباس غیبت باشید، اگر در لباس دوست باشید، در هر هیأت و لباسی باشید و به هر صورتی که ظاهر شوید ما با شما هستیم؛ ما در عالم ذر پیمان بستیم: درون دنیا که آمدیم این تمرین و این مانور را انجام دهیم و اینگونه با شما باشیم.

^{۱۱}. اصول کافی-ترجمه مصطفوی، ج ۲، ص: ۳۲۲

^{۱۲}. [حجر ۸۷] ص ۲۶۶ - وَ لَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ / او هر آینه تو را «سبع المثنی» و قرآن بزرگ اقدرا دادیم.

^{۱۳}. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۲۴، ص: ۱۱۸

هفت بار سعی بین صفا و مروه:

هفت معرفت در قبال هفت جلوه امام

هفت جلوه، هفت معرفت نیاز دارد، تعداد سعی بین صفا و مروه نیز هفت است، انسان يك بار مي‌رود طواف خانه کعبه، هفت دور مي‌چرخد، دل می‌سپارد، سپس مي‌آید، هفت نوع معرفت کسب می‌کند، دوباره مي‌رود آن هفت نوع جلوه را با معرفت، طواف می‌کند.

لذا این هفت بار طواف، تکرار نیست؛ اگر مثالی به معنای دو باشد سبع مثالی یعنی دو تا هفت تا، تعداد طواف‌ها هم دو تا هفت تا است؛ بله، اگر انسان از دید آخرالزمان و ظهور به مناسک حج، نگاه کند، کل ماجرا واقعاً معنا پیدا می‌کند./

پس اگر از این جنبه نگاه کنیم این هفت بار طواف تکرار نیست، اینها تکرار نیست، حتی هفت دفعه دوم یا هفت دفعه اول باز هم تکرار نیست، چون هفت دفعه اول آدم معرفتش زیاد نبود، رفته نمادی از معرفت را کسب کرده، حالا با معرفت آمده دوباره می‌خواهد هفت دور دوم را دنبال کند. اگر مثالی به معنای دو باشد سبع مثالی یعنی دو تا هفت تا، تعداد طواف‌ها هم دو تا هفت تا است.

سپس عبور می‌کنند و به سمت مشعر و سرزمین مینا می‌روند؛ تا نیمه‌شب در مشعر هستند، به محض طلوع آفتاب، به سمت مینا حرکت می‌کنند؛ و همانطور که اشاره شد اولین کاری که در مینا انجام می‌دهند، رمی جمرات است؛ چه زمانی؟ زمانی که خورشید طلوع می‌کند (طلوع فجر)؛ با توجه به اینکه اسم ماجرای ظهور در احادیث، یوم‌الله است، معنی آن اینگونه می‌شود: وقتی که یوم‌الله طلوع کرد، شیعیان حرکت می‌کنند و اولین کسی را که نابود می‌کنند ابلیس است، یعنی به جای سنگ زدن به نماد شیطان، با خود شیطان می‌جنگند.

برخی به اندک قائل‌اند و می‌گویند همه چیز همین ظواهر است و چیزی جز این نیست، ما شیعیان می‌گوییم نه، پشت این ظواهر باطنی وجود دارد، اما هرچه می‌گردیم آن باطن را نمی‌یابیم، به ظواهر آن هم راضی نیستیم، از هر منظری که نگاه کنیم باز احساس می‌کنیم که گمشده‌ای هست، اگر از منظر زیارت نگاه کنیم، خدا که زیارتگاه نمی‌خواهد، اگر بگوییم: می‌خواهیم برویم قبله را ببینیم؛ قبله که دیدن ندارد، اگر بگوییم می‌خواهیم برویم با خدا بیعت کنیم، بیعت کردن با خدا مراسم نمی‌خواهد. انسان، احساس می‌کند توجیهی وجود ندارد مگر آنکه حقیقتی و سیری و رای این ظواهر نهفته باشد.

شیعیان با مناسک و با آن اعمال نمادینی که به عنوان حج هست نمی‌توانند ارتباط برقرار کنند، و مثل سایر فرقه‌های مسلمین هم نیستند که فکر می‌کنند حج همان ظواهر است و به همین اعمال ظاهری بسنده می‌کنند، لذا شیعیان می‌روند سراغ همان چیزی که از قدیم یاد گرفته‌اند؛ یعنی مناجات، توسل، برقرار کردن ارتباط روحی با اهل‌بیت (ع)، دلدادگی، همان چیزهایی که در هیئت‌ها و مساجد، از قبل آموزش دیده‌اند و حالا در آنجا چون از شهر و دیار و کسب و کارشان فارغ هستند راحت‌تر می‌توانند دل و فکرشان را روانه کنند. از این جنبه موفق هستند و آنجا از این توسلات و دل‌سپاری‌ها بهره می‌برند؛ اما اسمش بهره‌مندی از مناسک حج نیست، البته خداوند متعال اجرشان را عطا می‌کند، خداوند بسیار به ایشان محبت می‌کند، اما می‌خواهم بگویم از چه زاویه‌ای نگاه کنیم که مناسک حج، برایمان معنای بیشتری پیدا کند؟ ما دعوت نشدیم -- به یک- سری رفتار-های بی-معنا؛ مسلماً همه این‌ها معنا دارد.

حجّی که بسیار مهم شمرده شده است، مسلماً معنایش هم مهم و عظیم است. خدایی که می‌فرماید: دنبال لَهو و لعب نباشید؛ مسلماً خودش برای مردم لَهو قرار نمی‌دهد. خداوندی که دنبال تبیین آیات است، خداوندی که دعوت به تعقل و تفکر می‌کند، مسلماً کار غیر عاقلانه انجام نمی‌دهد. پس در این مناسک حج، خاصیتی هست.

کانال اینستاگرام مسجد جامع غدیر خم
@masjed_ghadirkhom
سایت مسجد جامع غدیر خم
masjedeghadirkhom.ir

"متن خطبه غدیر خم"

بخش اول: حمد و ثنای الهی

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فِي تَوْحِيدِهِ وَ دَنَا فِي تَقَرُّدِهِ وَجَلَّ فِي سُلْطَانِهِ وَ عَظَمَ فِي أَرْكَانِهِ، وَ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ وَ فَهَرَ جَمِيعَ الْخَلْقِ بِقُدْرَتِهِ وَ بَرَاهِنِهِ، حَمِيدًا لَمْ يَزَلْ، مَحْمُودًا لَا يَزَالُ (وَ مَجِيدًا لَا يَزُولُ، وَ مُبْدِنًا وَ مُعِيدًا وَ كُلُّ أَمْرٍ إِلَيْهِ يُعُودُ). بَارِئُ الْمَسْمُوكَاتِ وَ دَاجِي الْمَدْحُوتَاتِ وَ جَبَّارُ الْأَرْضِينَ وَ السَّمَاوَاتِ، قُدُّوسٌ سُبُّوحٌ، رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ، مُتَّفَضِّلٌ عَلَى جَمِيعٍ مَنْ بَرَأَهُ، مُتَطَوِّلٌ عَلَى جَمِيعٍ مَنْ أَنْشَأَهُ. يُلْحِظُ كُلَّ عَيْنٍ وَ الْعُيُونُ لِأَثَرِهِ.

ستایش خدای را سزااست که در یگانگی اش بلند مرتبه و در تنهایی اش به آفریدگان نزدیک است؛ سلطنتش پر جلال و در ارکان آفرینش اش بزرگ است. بی آنکه مکان گیرد و جابه جا شود، بر همه چیز احاطه دارد و بر تمامی آفریدگان به قدرت و برهان خود چیره است.

همواره ستوده بوده و خواهد بود و مجد و بزرگی او را پایانی نیست. آغاز و انجام از او و برگشت تمامی امور به سوی اوست. اوست آفریننده آسمان ها و گستراننده زمین ها و حکمران آن ها. دور و منزله از خصایص آفریده هاست و در منزله بودن خود نیز از تقدیس همگان برتر است. هموست پروردگار فرشتگان و روح؛ افزونی بخش آفریده ها و نعمت ده ایجاد شده هاست. به یک نیم نگاه دیده ها را ببیند و دیده ها هرگز او را نبینند.

كَرِيمٌ حَلِيمٌ ذُو أَنْتَاتٍ، قَدْ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَتُهُ وَ مَنْ عَلَيْهِمْ بِنِعْمَتِهِ. لَا يَعْجَلُ بِإِنْتِقَامِهِ، وَلَا يُبَادِرُ إِلَيْهِمْ بِمَا اسْتَحَقُّوا مِنْ عَذَابِهِ. قَدَفَهُمُ السَّرَائِرَ وَ عَلِمَ الضَّمَائِرَ، وَلَمْ تَخَفْ عَلَيْهِ الْمَكُونَاتُ وَلَا اسْتَبْهَتْ عَلَيْهِ الْخَفِيَّاتُ. لَهُ الْإِحْاطَةُ بِكُلِّ شَيْءٍ، وَ الْعَلْبَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَ الْقُوَّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ وَ الْقُدْرَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَ لَيْسَ مِثْلَهُ شَيْءٌ. وَ هُوَ مُنْشِئُ الشَّيْءِ حِينَ لِاشْيَاءٍ دَائِمٌ حَيٌّ وَ قَائِمٌ بِالْقِسْطِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.

جَلَّ عَنْ أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَ هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ. لَا يُلْحَقُ أَحَدٌ وَ صَفَهُ مِنْ مُعَايِنَةٍ، وَلَا يَجِدُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ مِنْ سِرِّهِ وَ عَلَانِيَةٍ إِلَّا بِمَادَلٍّ عَزَّوَجَلَّ عَلَى نَفْسِهِ.

کریم و بردبار و شکیباست. رحمت اش جهان شمول و عطایش منت گذار. در انتقام بی شتاب و در کيفر سزاواران عذاب، صبور و شکیباست. بر نهان ها آگاه و بر درون ها دانا. پوشیده ها بر او آشکار و پنهان ها بر او روشن است. او راست فراگیری و چیرگی بر هر هستی. نیروی آفریدگان از او و توانایی بر هر پدیده ویژه اوست. او را همانندی نیست و هموست ایجادگر هر موجود در تاریکستان لاشیء. جاودانه و زنده و عدل گستر. جز او خداوندی نباشد و اوست ارجمند و حکیم.

دیده ها را بر او راهی نیست و اوست دریابنده دیده ها. بر پنهانی ها آگاه و بر کارها داناست. کسی از دیدن به وصف او نرسد و بر چگونگی او از نهان و آشکار دست نیابد مگر، او - عزوجل - خود، راه نماید و بشناساند.

وَ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ الَّذِي مَلَأَ الدَّهْرَ قُدْسَهُ، وَ الَّذِي يَغْشَى الْأَبَدَ نُورَهُ، وَ الَّذِي يُنْفِذُ أَمْرَهُ بِالْمُشَاوَرَةِ مُشِيرٌ وَ لَامِعُهُ شَرِيكٌ فِي تَقْدِيرِهِ وَ لَا يُعَاوَنُ فِي تَدْبِيرِهِ. صَوَّرَ مَا ابْتَدَعَ عَلَى غَيْرِ مِثَالٍ، وَ خَلَقَ مَا خَلَقَ بِالْمَعُونَةِ مِنْ أَحَدٍ وَ لَا تَكْلَفٍ وَ لَا اِحْتِيَالٍ. أَنْشَأَهَا فَكَانَتْ وَ بَرَأَهَا فَبَانَتْ.

فَهُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمُتَّقِينَ الصَّنْعَةَ، الْحَسَنُ الصَّنِيعَةَ، الْعَدْلُ الَّذِي لَا يَجُورُ، وَالْأَكْرَمُ الَّذِي تَرْجِعُ إِلَيْهِ الْأُمُورُ.

وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ الَّذِي تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ، وَذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ، وَاسْتَسَلَّمَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِهِ، وَخَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِهَيْبَتِهِ. مَلِكُ الْأَمْلاَكِ وَ مَفْلَكُ الْأَفْلاَكِ وَ مَسْحَرُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ، كُلُّ يَجْرِي لِأَجْلِ مُسَمًى. يُكْوَرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكْوَرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ يَطْلُبُهُ حَتِيثًا. قَاصِمٌ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ مُهْلِكُ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ.

و گواهی می دهم که او «الله» است. همو که تنزهش سراسر روزگاران را فراگیر و نورش ابدیت را شامل است. بی مشاور، فرمانش را اجرا، بی شریک تقدیرش را امضا و بی یاور سامان دهی فرماید. صورت آفرینش او را الگویی نبوده و آفریدگان را بدون یاور و رنج و چاره جویی، هستی بخشیده است. جهان با ایجاد او موجود و با آفرینش او پدیدار شده است.

پس اوست «الله» که معبودی به جز او نیست. همو که صنُعش استوار است و ساختمان آفرینش زیبا. دادگری است که ستم روا نمی دارد و کریمی که کارها به او باز می گردد.

و گواهی می دهم که او «الله» است که آفریدگان در برابر بزرگی اش فروتن و در مقابل عزتش رام و به توانایی اش تسلیم و به هیبت و بزرگی اش فروتن اند. پادشاه هستی ها و چرخاننده سپهرها و رام کننده آفتاب و ماه که هر یک تا اجل معین جریان یابند. او پردی شب را به روز و پردی روز را - که شتابان در پی شب است - به شب پیچد. اوست شکنندی هر ستمگر سرکش و نابودکنندی هر شیطان رانده شده.

لَمْ يَكُنْ لَهُ ضِدٌّ وَلَا مَعَهُ نِدٌّ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفْوًا أَحَدٌ. إِلَهَةٌ وَاحِدَةٌ وَرَبُّ مَا جَدُّ يَشَاءُ فَيَمُضِي، وَيُرِيدُ فَيَقْضِي، وَيَعْلَمُ فَيُحْصِي، وَيَمِيتُ وَيُحْيِي، وَيُفْقِرُ وَيُعْنِي، وَيُضْحِكُ وَيُبْكِي، (وَيُذْنِي وَ يُقْصِي) وَيَمْنَعُ وَ يُعْطِي، لَهُ الْمُلْكُ وَالْأَحْمَدُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْعَفَّارُ. مُسْتَجِيبُ الدُّعَاءِ وَمُجْزِلُ الْعَطَاءِ، مُحْصِي الْأَنْفَاسِ وَ رَبُّ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ، الَّذِي لَا يُشْكَلُ عَلَيْهِ شَيْءٌ، وَ لَا يُضْجِرُهُ صِرَاحُ الْمُسْتَصْرِخِينَ وَ لَا يُبْرِمُهُ إِحْاحُ الْمَلْحِينَ.

الْعَاصِمُ لِلصَّالِحِينَ، وَالْمَوْفِقُ لِلْمُفْلِحِينَ، وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ رَبُّ الْعَالَمِينَ. الَّذِي اسْتَحَقَّ مِنْ كُلِّ مَنْ خَلَقَ أَنْ يَشْكُرَهُ وَيَحْمَدَهُ (عَلَى كُلِّ حَالٍ)

نه او را ناسازی باشد و نه برایش انباز و مانندی. یکتا و بی نیاز، نه زاده و نه زاییده شده، او را همتایی نبوده، خداوند یگانه و پروردگار بزرگوار است. بخواهد و به انجام رساند. اراده کند و حکم نماید. بداند و بشمارد. بمیراند و زنده کند. نیازمند و بی نیاز گرداند. بخنداند و بگریاند. نزدیک آورد و دور برد. بازدارد و عطا کند. او راست پادشاهی و ستایش. به دست توانی اوست تمام نیکی. و هموست بر هر چیز توانا.

شب را در روز و روز را در شب فرو برد. معبودی جز او نیست؛ گران مایه و آمرزنده؛ اجابت کننده دعا و افزایش عطا، بر شمارندی نفس ها؛ پروردگار پری و انسان. چیزی بر او مشکل ننماید، فریاد فریادکنندگان او را آزرده نکند و اصرار اصرارکنندگان او را به ستوه نیاورد.

نیکوکاران را نگاهدار، رستگاران را یار، مؤمنان را صاحب اختیار و جهانیان را پروردگار است؛ آن که در همه احوال سزاوار سپاس و ستایش آفریدگان است.

به موسی است، لیکن پیامبری پس از من نخواهد بود او (علی)، صاحب اختیاران پس از خدا و رسول است؛

و پروردگارم آیه ای بر من نازل فرموده که: «همانا ولی، صاحب اختیار و سرپرست شما، خدا و پیامبر او و ایمانیانی هستند که نماز به پا می دارند و در حال رکوع زکات می پردازند.» و هر آینه علی بن ابی طالب نماز به پا داشته و در رکوع زکات پرداخته و پیوسته خداخواه است.

وَسَأَلْتُ جِبْرَائِيلَ أَنْ يَسْتَعْفِيَ لِي (السَّلَامَ) عَنْ تَبْلِيغِ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ - أَيُّهَا النَّاسُ - لِعِلْمِي بِقَلَّةِ الْمُتَّقِينَ وَكَثْرَةِ الْمُنَافِقِينَ وَإِدْغَالِ اللَّائِمِينَ وَحِيلِ الْمُسْتَهْزِئِينَ بِالْإِسْلَامِ، الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ بِأَنَّهُمْ يَقُولُونَ بِاللَّسِنَتِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ، وَيَحْسُبُونََّهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ.

وَكَثْرَةَ آذَانِهِمْ لِي غَيْرَ مَرَّةٍ حَتَّى سَمَوْنِي أُذُنًا وَ زَعَمُوا أَنِّي كَذَلِكَ لِكَثْرَةِ مُلَازِمَتِهِ إِيَّيَ وَ إِقْبَالِي عَلَيْهِ (وَ هَوَاهُ وَ قَبُولِهِ مِنِّي) حَتَّى أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي ذَلِكَ (وَ مِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَ يَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ، قُلْ أُذُنٌ - (عَلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُ أُذُنٌ) - خَيْرٌ لَكُمْ، يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ) الْآيَةُ.

و من از جبرئیل درخواستم که از خداوند سلام اجازه کند و مرا از این مأموریت معاف فرماید. زیرا کمی پرهیزگاران و فزونی منافقان و دسیسی ملامت گران و مکر مسخره کنندگان اسلام را می دانم؛ همانان که خداوند در کتاب خود در وصفشان فرموده: «به زبان آن را می گویند که در دل هایشان نیست و آن را اندک و آسان می شمارند حال آن که نزد خداوند بس بزرگ است.»

و نیز از آن روی که منافقان بارها مرا آزار رسانیده تا بدانجا که مرا اُذُن [سخن شنو و زودباور] نامیده اند، به خاطر همراهی افزون علی با من و رویکرد من به او و تمایل و پذیرش او از من، تا بدانجا که خداوند در این موضوع آیه ای فرو فرستاده: «و از آنانند کسانی که پیامبر خدا را می آزارند و می گویند: او سخن شنو و زودباور است. بگو: آری سخن شنو است. - بر علیه آنان که گمان می کنند او تنها سخن می شنود - لیکن به خیر شماس است، او (پیامبر صلی الله علیه و آله) به خدا ایمان دارد و مؤمنان را تصدیق می کند و راستگو می انگارد.»

وَلَوْ شِئْتُ أَنْ أَسْمِيَ الْقَائِلِينَ بِذَلِكَ بِأَسْمَائِهِمْ لَسَمَّيْتُ وَأَنْ أَوْمِي إِلَيْهِمْ بِأَعْيَانِهِمْ لِأَوْمَاتٍ وَأَنْ أَدُلَّ عَلَيْهِمْ لَدَلْتُ، وَلِكِنِّي وَاللَّهِ فِي أُمُورِهِمْ قَدْ تَكَرَّمْتُ. وَكُلُّ ذَلِكَ لَا يَرْضَى اللَّهُ مِنِّي إِلَّا أَنْ أَبْلُغَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيَّ (فِي حَقِّ عَلِيٍّ)، ثُمَّ تَلَا: (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ - فِي حَقِّ عَلِيٍّ - وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ).

و اگر می خواستم نام گویندگان چنین سخنی را بر زبان آورم و یا به آنان اشارت کنم و یا مردمان را به سویشان هدایت کنم [که آنان را شناسایی کنند] می توانستم. لیکن سوگند به خدا در کارشان کرامت نموده لب فروبستم. با این حال خداوند از من خشنود نخواهد گشت مگر این که آن چه در حق علی علیه السلام فرو فرستاده به گوش شما برسانم. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله چنین خواند: «ی پیامبر ما! آن چه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده - در حق علی - ابلاغ کن؛ وگرنه کار رسالتش را انجام نداده ای. و البته خداوند تو را از آسیب مردمان نگاه می دارد.»

بخش سوم: اعلان رسمی ولایت و امامت دوازده امام علیهم السلام

فَاعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ (ذَالِكَ فِيهِ وَافْهَمُوهُ وَاعْلَمُوا) أَنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وَلِيًّا وَإِمَامًا فَرَضَ طَاعَتَهُ عَلَى الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَ عَلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ، وَ عَلَى الْبَادِي وَالْحَاضِرِ، وَ عَلَى الْعَجَمِيِّ وَالْعَرَبِيِّ، وَالْحُرِّ وَالْمَمْلُوكِ وَالصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ، وَ عَلَى الْأَبْيَضِ وَالْأَسْوَدِ، وَ عَلَى كُلِّ مُوَحَّدٍ.

ماضِ حُكْمُهُ، جَازٍ قَوْلُهُ، نَافِذٌ أَمْرُهُ، مَلْعُونٌ مَنْ خَالَفَهُ، مَرْحُومٌ مَنْ تَبِعَهُ وَ صَدَّقَهُ، فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَلِمَنْ سَمِعَ مِنْهُ وَ أَطَاعَ لَهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ آخِرُ مَقَامٍ أَقْوَمُهُ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ، فَاسْمَعُوا وَ أَطِيعُوا وَانْقَادُوا لِأَمْرِ (اللَّهِ) رَبِّكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ هُوَ مَوْلَاكُمْ وَ الْإِهْكُمْ، ثُمَّ مِنْ دُونِهِ رَسُولُهُ وَ نَبِيُّهُ الْإِلَهُ مَخَاطِبُ لَكُمْ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلَى وَلِيِّكُمْ وَ إِمَامِكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّكُمْ، ثُمَّ الْإِمَامَةُ فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ وُلْدِهِ إِلَى يَوْمِ تَلْقَوْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ.

هان مردمان! بدانید این آیه درباری اوست. ژرفی آن را فهم کنید و بدانید که خداوند او را برایتان صاحب اختیار و امام قرار داده، پیروی او را بر مهاجران و انصار و آنان که به نیکی از ایشان پیروی می کنند و بر صحرائنشینان و شهروندان و بر عجم و عرب و آزاد و برده و بر کوچک و بزرگ و سفید و سیاه و بر هر یکتاپرست لازم شمرده است.

[هشدار که] اجرای فرمان و گفتار او لازم و امرش نافذ است. ناسازگارش رانده، پیرو و باورکننده اش در مهر و شفقت است. هر آینه خداوند، او و شنوایان سخن او و پیروان راهش را آمرزیده است.

هان مردمان! آخرین بار است که در این اجتماع به پا ایستاده ام. پس بشنوید و فرمان حق را گردن گذارید؛ چرا که خداوند عزوجل صاحب اختیار و ولی و معبود شماست؛ و پس از خداوند ولی شما، فرستاده و پیامبر اوست که اکنون در برابر شماست و با شما سخن می گوید. و پس از من به فرمان پروردگار، علی ولی و صاحب اختیار و امام شماست. آن گاه امامت در فرزندان من از نسل علی خواهد بود. این قانون تا برپایی رستاخیز که خدا و رسول او را دیدار کنید دوام دارد.

لَا حِلَّالَ إِلَّا مَا أَحَلَّهُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَهُمْ، وَ لِحَرَامِ إِلَّا مَا حَرَّمَ اللَّهُ (عَلَيْكُمْ) وَ رَسُولُهُ وَ هُمْ، وَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَرَفَنِي الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ وَ أَنَا أَفْضَيْتُ بِمَا عَلَّمَنِي رَبِّي مِنْ كِتَابِهِ وَ حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ إِلَيْهِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، عَلِيٌّ (فَضَّلُوهُ). مَامِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِي، وَ كُلُّ عِلْمٍ عَلَّمْتُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ، وَ مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ عَلَّمْتُهُ عَلِيًّا، وَ هُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ (الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي سُورَةِ يَس: (وَ كُلِّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، لَا تَضِلُّوا عَنْهُ وَ لَا تَنْوِرُوا مِنْهُ، وَ لَا تَسْتَنْكِفُوا عَنْ وَلايَتِهِ، فَهُوَ الَّذِي يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَ يَعْمَلُ بِهِ، وَ يَزِيهِقُ الْبَاطِلَ وَ يَنْهَى عَنْهُ، وَ لَا تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ. أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ (لَمْ يَسْبِقْهُ إِلَى الْإِيمَانِ بِي أَحَدٌ)، وَ الَّذِي فَدَى رَسُولَ اللَّهِ بِنَفْسِهِ، وَ الَّذِي كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ وَ لَا أَحَدٌ يَعْبُدُ اللَّهَ مَعَ رَسُولِهِ مِنَ الرِّجَالِ غَيْرُهُ. (أَوَّلُ النَّاسِ صَلَاةً وَ أَوَّلُ مَنْ عَبَدَ اللَّهَ مَعِيَ. أَمْرُهُ عَنِ اللَّهِ أَنْ يَنَامَ فِي مَضْجَعِي، فَفَعَلَ فَادِيًا لِي بِنَفْسِهِ).

روا نیست، مگر آن چه خدا و رسول او و امامان روا دانند؛ و ناروا نیست مگر آن چه آنان ناروا دانند. خداوند عزوجل، هم روا و هم ناروا را برای من بیان فرموده و آن چه پروردگارم از کتاب خویش و حلال و حرامش به من آموخته در اختیار علی نهاده ام.

هان مردمان! او را برتر بدانید. چرا که هیچ دانشی نیست مگر اینکه خداوند آن را در جان من نبشته و من نیز آن را در جان پیشوای پرهیزکاران، علی، ضبط کرده ام. او (علی) پیشوای روشنگر است که خداوند او را در سوری یاسین یاد کرده که: «و دانش هر چیز را در امام روشنگر برشمرده ایم...»

هان مردمان! از علی رو برنتابید. و از امامتش نگریزید. و از سرپرستی اش رو برنگردانید. او [شما را] به درستی و راستی خوانده و [خود نیز] بدان عمل نماید. او نادرستی را نابود کند و از آن بازدارد. در راه خدا نکوهش نکوهش گران او را از کار باز ندارد. او نخستین مؤمن به خدا و رسول اوست و کسی در ایمان، به او سبقت نجسته. و همو جان خود را فدای رسول الله نموده و با او همراه بوده است تنها اوست که همراه رسول خدا عبادت خداوند می کرد و جز او کسی چنین نبود.

اولین نمازگزار و پرستشگر خدا به همراه من است. از سوی خداوند به او فرمان دادم تا [در شب هجرت] در بستر من بیارامد و او نیز فرمان برده، پذیرفت که جان خود را فدای من کند.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، فَضَّلُوهُ فَقَدْ فَضَّلَهُ اللهُ، وَأَقْبَلُوهُ فَقَدْ نَصَبَهُ اللهُ. مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ إِمَامٌ مِنَ اللهِ، وَلَنْ يَتُوبَ اللهُ عَلَى أَحَدٍ أَنْكَرَ وَلَا يَتَّهَهُ وَلَنْ يَغْفِرَ لَهُ، حَتَّمَا عَلَى اللهِ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ بِمَنْ خَالَفَ أَمْرَهُ وَأَنْ يُعَذِّبَهُ عَذَابًا تُكْرَأُ أَبَدًا الْأَبَادِ وَدَهْرَ الدَّهْرِ. فَاحْذَرُوا أَنْ تُخَالِفُوهُ. فَتَصَلُّوا نَارًا وَقُودَهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ.

هان مردمان! او را برتر دانید، که خداوند او را برگزیده؛ و پیشوایی او را بپذیرید، که خداوند او را برپا کرده است. هان مردمان! او از سوی خدا امام است و هرگز خداوند توبه منکر او را نپذیرد و او را نیامرزد. این است روش قطعی خداوند درباره ناسازگار علی و هرآینه او را به عذاب دردناک پایدار کیفر کند. از مخالفت او بهراسید و گرنه در آتشی درخواهید شد که آتش گیری آن مردمانند؛ و سنگ، که برای حق ستیزان آماده شده است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، بِي - وَالله - بَشَرًا أَوْلُونَ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، وَأَنَا - (وَالله) - خَاتَمَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْحُجَّةَ عَلَى جَمِيعِ الْمَخْلُوقِينَ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ. فَمَنْ شَكَّ فِي ذَلِكَ فَقَدْ كَفَرَ كُفْرَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَمَنْ شَكَّ فِي شَيْءٍ مِنْ قَوْلِي هَذَا فَقَدْ شَكَّ فِي كُلِّ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ، وَمَنْ شَكَّ فِي وَاحِدٍ مِنَ الْأُمَّةِ فَقَدْ شَكَّ فِي الْكُلِّ مِنْهُمْ، وَالشَّاكُّ فِينَا فِي النَّارِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، حَبَانِي اللهُ عَزَّوَجَلَّ بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ مَنَّا مِنْهُ عَلَى وَاحِدٍ مِنْهُ إِلَى وَلَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، أَلَا لَهُ الْحَمْدُ مِنِّي أَبَدَ الْأَبَدِينَ وَدَهْرَ الدَّاهِرِينَ وَ عَلَى كُلِّ حَالٍ.

هان مردمان! به خدا سوگند که پیامبران پیشین به ظهورم مژده داده اند و اکنون من فرجام پیامبران و برهان بر آفریدگان آسمانیان و زمینیانم. آن کس که راستی و درستی مرا باور نکند به کفر جاهلی درآمده و تردید در سخنان امروز همسنگ تردید در تمامی محتوای رسالت من است، و شک و ناپاوری در امامت یکی از امامان، به سان شک و ناپاوری در تمامی آنان است. و هرآینه جایگاه ناپوران ما آتش دوزخ خواهد بود.

هان مردمان! خداوند عزوجل از روی منت و احسان خویش این برتری را به من پیشکش کرد و البته که خدایی جز او نیست. آگاه باشید: تمامی ستایش ها در همه روزگاران و در هر حال و مقام و بیژی اوست.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، فَضَّلُوا عَلَيَّ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي مِنْ دَكَرَ وَأَنْتِي مَا أَنْزَلَ اللهُ الرَّزْقَ وَبَقِيَ الْخَلْقُ. مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ، مَغْضُوبٌ مَغْضُوبٌ مَنْ رَدَّ عَلَى قَوْلِي هَذَا وَلَمْ يُؤَافِقْهُ. أَلَا إِنَّ جِبْرَائِيلَ خَبَّرَنِي عَنِ اللهِ تَعَالَى بِذَلِكَ

وَيَقُولُ: «مَنْ عَادَى عَلِيًّا وَلَمْ يَتَوَلَّهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَتِي وَ غَضَبِي»، (وَ لَنَنْظُرَ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَانْقُوا لِلَّهِ - أَنْ تَخَالِفُوهُ فَتَنْزِلَ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا - إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ جَنْبُ اللَّهِ الَّذِي ذَكَرَ فِي كِتَابِهِ الْعَزِيزِ، فَقَالَ تَعَالَى (مُخْبِرًا عَمَّنْ يُخَالِفُهُ): (أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَا عَلَى مَا فَرَطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ).

هان مردمان! عل را برتر دانید؛ که او برترین مردمان از مرد و زن پس از من است؛ تا آن هنگام که آفریدگان پایدارند و روزی شان فرود آید. دور دورباد از درگاه مهر خداوند و خشم خشم باد بر آن که این گفته را نپذیرد و با من سازگار نباشد!

هان! بدانید جبرئیل از سوی خداوند خبرم داد: «هر آن که با علی بستیزد و بر ولایت او گردن نگذارد، نفرین و خشم من بر او باد!» البته بایست که هر کس بنگرد که برای فردای رستاخیز خود چه پیش فرستاده. [هان!] تقوا پیشه کنید و از ناسازگاری با علی بپرهیزید. مباد که گام هایتان پس از استواری درگذرد. که خداوند بر کردارتان آگاه است.

هان مردمان! همانا او هم جوار و همسایه خداوند است که در نبشته ی عزیز خود او را یاد کرده و درباری ستیزندگان با او فرموده: «تا آنکه مبادا کسی در روز رستاخیز بگوید: افسوس که درباری همجوار و همسایه ی خدا کوتاهی کردم...»

مَعَاشِرَ النَّاسِ، تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ وَ افْهَمُوا آيَاتِهِ وَ انظُرُوا إِلَى مُحْكَمَاتِهِ وَ لا تَتَّبِعُوا مُتَشَابِهَهُ، فَإِنَّ اللَّهَ لَنْ يُبَيِّنَ لَكُمْ زَوَاجِرَهُ وَ لَنْ يُوضِحَ لَكُمْ تَفْسِيرَهُ إِلَّا الَّذِي أَنَا آخِذٌ بِبَيْدِهِ وَ مُصْعِدُهُ إِلَى وَشَائِلٍ بِعَضِدِهِ (وَ رَافِعُهُ بِيَدِي) وَ مُعْلِمُكُمْ: أَنَّ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ، وَ هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَ وَصِيِّي، وَ مَوْلَانَهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْزَلَهَا عَلِيٌّ.

هان مردمان! در قرآن اندیشه کنید و ژرفی آیات آن را دریابید و بر محکماتش نظر کنید و از متشابهاتش پیروی ننمایید. پس به خدا سوگند که باطن ها و تفسیر آن را آشکار نمی کند مگر همین که دست و بازوی او را گرفته و بالا آورده ام و اعلام می دارم که: هر آن که من سرپرست اویم، این علی سرپرست اوست. و او علی بن ابی طالب است؛ برادر و وصی من که سرپرستی و ولایت او حکمی است از سوی خدا که بر من فرستاده شده است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ عَلِيًّا وَ الطَّيِّبِينَ مِنْ وَوَدِي (مِنْ صُلْبِهِ) هُمُ النَّفْلُ الْأَصْغَرُ، وَ الْقُرْآنُ النَّفْلُ الْأَكْبَرُ، فَكُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مُنْبِئٌ عَنِ صَاحِبِهِ وَ مُوَافِقٌ لَهُ، لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ.

أَلَا إِنَّهُمْ أَمَنَاءُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ حُكَامُهُ فِي أَرْضِهِ. أَلَا وَقَدْ أَدْبَتُ. أَلَا وَقَدْ بَلَّغْتُ، أَلَا وَقَدْ أَسْمَعْتُ، أَلَا وَقَدْ أَوْضَحْتُ، أَلَا وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ وَ أَنَا قُلْتُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، أَلَا إِنَّهُ لَا «أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ» غَيْرَ أَخِي هَذَا، أَلَا لِاتَّجِلُّ إِمْرَةَ الْمُؤْمِنِينَ بَعْدِي لِإِحْدٍ غَيْرِهِ.

هان مردمان! همانا علی و پاکان از فرزندانم از نسل او، یادگار گران سنگ کوچک ترند و قرآن یادگار گران سنگ بزرگ تر. هر یک از این دو از دیگر همراه خود خبر می دهد و با آن سازگار است. آن دو هرگز از هم جدا نخواهند شد تا در حوض کوثر بر من وارد شوند.

هان! بدانید که آنان امانتداران خداوند در میان آفریدگان و حاکمان او در زمین اویند. هشدار که من وظیفه ی خود را ادا کردم. هشدار که من آن چه بر عهده ام بود ابلاغ کردم و به گوشتان رساندم و روشن نمودم.

بدانید که این سخن خدا بود و من از سوی او سخن گفتم. هشدار که هرگز به جز این برادرم کسی نباید امیرالمؤمنین خوانده شود. هشدار که پس از من امارت مؤمنان بری کسی جز او روا نباشد.

ثم قال: «ایها الناس، مَنْ أَوْلَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟ قالوا: اللهُ وَرَسُولُهُ. فَقَالَ: أَلَا مِنْ كُنْتُمْ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذِلْ مَنْ خَذَلَهُ.»

سپس فرمود: مردمان! کیست سزاوارتر از شما به شما؟ گفتند خداوند و پیامبر او! سپس فرمود آگاه باشید! آن که من سرپرست اویم، پس این علی سرپرست اوست! خداوندا دوست بدار آن را که سرپرستی او را بپذیرد و دشمن بدار هر آن که او را دشمن دارد و یاری کن یار او را؛ و تنها گذار آن را که او را تنها بگذارد.

بخش چهارم: بلند کردن امیرالمؤمنین علیه السلام بدست رسول خدا صلی الله علیه و آله

مَعَاشِرَ النَّاسِ، هَذَا عَلِيٌّ أَخِي وَ وَصِيٌّ وَ وَاعِي عِلْمِي، وَ خَلِيفَتِي فِي أُمَّتِي عَلِيٌّ مَنْ آمَنَ بِي وَ عَلِيٌّ تَفْسِيرِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ الدَّاعِي إِلَيْهِ وَ الْعَامِلُ بِمَا يُرْضَاهُ وَ الْإِنْفِصَالُ لِعَدَائِهِ وَ الْمُوَالِي عَلَى طَاعَتِهِ وَ النَّاهِي عَنِ مَعْصِيَتِهِ. إِنَّهُ خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْإِمَامُ الْهَادِي مِنَ اللَّهِ، وَ قَاتِلُ النَّاكِثِينَ وَ الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ بِأَمْرِ اللَّهِ. يَقُولُ اللَّهُ: (مَائِدَةُ الْقَوْلِ لَدَى).

بِأَمْرِكَ يَا رَبِّ أَقُولُ: اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ (وَ أَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذِلْ مَنْ خَذَلَهُ) وَ الْعَنْ مَنْ أَنْكَرَهُ وَ اغْضِبْ عَلَيَّ مَنْ جَدَّ حَقَّهُ.

هان مردمان! این علی است برادر و وصی و نگاهبان دانش من. و هموست جانشین من در میان امت و بر گروندگان به من و بر تفسیر کتاب خدا که مردمان را به سوی او بخواند و به آن چه موجب خشنودی اوست عمل کند و با دشمنانش ستیز نماید. او پشتیبان فرمانبرداری خداوند و بازدارنده از نافرمانی او باشد. همانا اوست جانشین رسول الله و فرمانروای ایمانیان و پیشوای هدایتگر از سوی خدا و کسی که به فرمان خدا با پیمان شکنان، رویگردانان از راستی و درستی و به دررفتگان از دین پیکار کند. خداوند فرماید: «فرمان من دگرگون نخواهد شد.»

پروردگارا! اکنون به فرمان تو چنین می گویم: خداوندا! دوستداران او را دوست دار. و دشمنان او را دشمن دار. پشتیبانان او را پشتیبانی کن. یارانش را یاری نما. خودداری کنندگان از یاری اش را به خود رها کن. ناباورانش را از مهرت بران و بر آنان خشم خود را فرود آور.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ الْآيَةَ فِي عَلِيٍّ وَ لِيكَ عِنْدَ بَيْنِ ذَالِكَ وَ نَصَبِكَ إِيَّاهُ لِهَذَا الْيَوْمِ: (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَنْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا)، (وَ مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ). اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي قَدْ بَلَغْتُ.

معبودا! تو خود در هنگام برپاداشتن او و بیان ولایتش نازل فرمودی که: «امروز آیین شما را به کمال، و نعمت خود را بر شما به اتمام رساندم، و اسلام را به عنوان دین شما پسندیدم.» «و آن که به جز اسلام دینی را بجوید، از او پذیرفته نبوده، در جهان دیگر در شمار زیانکاران خواهد بود.» خداوندا، تو را گواه می گیرم که پیام تو را به مردمان رساندم.

بخش پنجم: تاکید بر توجه امت به مسئله امامت

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّمَا أَكْمَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ دِينَكُمْ بِإِمَامَتِهِ فَمَنْ لَمْ يَأْتُمْ بِهِ وَبِمَنْ يَفُومُ مَقَامَهُ مِنْ وُلْدِي مَنْ صَلَّى إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالْعَرَضُ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ (فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ) وَ فِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ، (لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ).

هان مردمان! خداوند عزوجل دین را با امامت علی تکمیل فرمود. اینک آنان که از او و جانشینانش از فرزندان من و از نسل او - تا برپایی رستاخیز و عرضه ی بر خدا - پیروی نکنند، در دو جهان کرده هایشان بیهوده بوده در آتش دوزخ ابدی خواهند بود، به گونه ی که نه از عذابشان کاسته و نه برایشان فرصتی خواهد بود.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، هَذَا عَلِيٌّ، أَنْصَرُكُمْ لِي وَأَحَقُّكُمْ بِي وَأَقْرَبُكُمْ إِلَيَّ وَأَعَزُّكُمْ عَلَيَّ، وَاللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَأَنَا عَنْهُ رَاضِيَانِ. وَمَا نَزَلَتْ آيَةٌ رِضًا (فِي الْقُرْآنِ) إِلَّا فِيهِ، وَلَا خَاطَبَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَّا بَدَأَ بِهِ، وَلَا نَزَلَتْ آيَةٌ مَدْحٍ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا فِيهِ، وَلَا شَهِدَ اللَّهُ بِالْجَنَّةِ فِي (هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ) إِلَّا لَهُ، وَلَا أَنْزَلَهَا فِي سِوَاهُ وَلَا مَدَحَ بِهَا غَيْرُهُ.

هان مردمان! این علی یاورترین، سزاوارترین و نزدیک ترین و عزیزترین شما نسبت به من است. خداوند عزوجل و من از او خشنودیم. آیه رضایتی در قرآن نیست مگر این که درباره ی اوست. و خدا هرگاه ایمان آوردگان را خطابی نموده به او آغاز کرده [و او اولین شخص مورد نظر خدی متعال بوده است] . و آیه ی ستایشی نازل نگشته مگر درباره ی او. و خداوند در سوره ی «هل أتى على الإنسان» گواهی بر بهشت [رفتن] نداده مگر بری او، و آن را در حق غیر او نازل نکرده و به آن جز او را نستوده است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، هُوَ نَاصِرُ دِينِ اللَّهِ وَالْمُجَادِلُ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ، وَهُوَ التَّقِيُّ النَّقِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِي. نَبِيُّكُمْ خَيْرُ نَبِيٍّ وَوَصِيِّكُمْ خَيْرُ وَصِيٍّ (وَبَنُوهُ خَيْرُ الْأَوْصِيَاءِ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، ذُرِّيَّةُ كُلِّ نَبِيٍّ مِنْ صُلْبِهِ، وَ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِ (أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ) عَلِيٍّ مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ إِبْلِيسَ أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ بِالْحَسَدِ، فَلَاتَحْسُدُوهُ فَتَحْبِطَ أَعْمَالُكُمْ وَتَنْزَلُ أَقْدَامُكُمْ، فَإِنَّ آدَمَ أَهْبَطَ إِلَى الْأَرْضِ بِخَطِيئَةٍ وَاحِدَةٍ، وَهُوَ صَفْوَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَكَيْفَ بِكُمْ وَأَنْتُمْ أَنْتُمْ وَمِنْكُمْ أَعْدَاءُ اللَّهِ، أَلَا وَ إِنَّهُ لَا يَبْغِضُ عَلِيًّا إِلَّا شَقِيٌّ، وَ لَا يُؤَالِي عَلِيًّا إِلَّا تَقِيٌّ، وَ لَا يُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا مُؤْمِنٌ مُخْلِصٌ.

هان مردمان! او یاور دین خدا و دفاع کننده ی از رسول اوست. او پرهیزکار پاکیزه و رهنمی ارشاد شده [به دست خود خدا] است. پیامبرتان برترین پیامبر، وصی او برترین وصی و فرزندان او برترین اوصیایند.

هان مردمان! فرزندان هر پیامبر از نسل اویند و فرزندان من از صلب و نسل امیرالمؤمنین علی است. هان مردمان! به راستی که شیطان اغواگر، آدم را با رشک از بهشت رانده میادا شما به علی رشک ورزید که کرده هایتان نابود و گام هایتان لغزان خواهد شد. آدم به خاطر یک اشتباه به زمین هبوط کرد و حال آن که برگزیده ی خدی عزوجل بود. پس چگونه خواهید بود شما و حال آن که شما شماید و دشمنان خدا نیز از میان شماید. آگاه باشید! که با علی نمی ستیزد مگر بی سعادت. و سرپرستی او را نمی پذیرد مگر رستگار پرهیزگار. و به او نمی گروید مگر ایمان دار بی آلیش.

وَ فِي عَلِيٍّ - وَاللَّهُ - نَزَلَتْ سُورَةُ الْعَصْرِ: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَالْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ) (إِلَّا عَلِيًّا الَّذِي آمَنَ وَ رَضِيَ بِالْحَقِّ وَالصَّبْرِ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، قَدْ اسْتَشْهَدْتُ اللَّهَ وَبَلَّغْتُكُمْ رَسُولِي وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ. مَعَاشِرَ النَّاسِ، (انْقُوا اللَّهَ حَقَّ ثِقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ).

و سوگند به خدا که سوره ی و العصر درباره ی اوست: «به نام خداوند همه مهر مهر ورز. قسم به زمان که انسان در زیان است.» مگر علی که ایمان آورده و به درستی و شکیبایی آراسته است.

هان مردمان! خدا را گواه گرفتیم و پیام او را به شما رسانیدیم. و بر فرستاده وظیفه ی جز بیان و ابلاغ روشن نباشد! هان مردمان! تقوا پیشه کنید همان گونه که بایسته است. و نمیرید جز با شرفِ اسلام.

بخش ششم: اشاره به کارشکنی های منافقین

مَعَاشِرَ النَّاسِ، (آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا أَوْ تَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ). (بالله ما عنى بهذه الآية إلا قوماً من أصحابى أعرفهم بأسمائهم وأنسابهم، وقد أمرت بالصفح عنهم فليعمل كل امرئ على ما يجد لعلى فى قلبه من الحب والبغض).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، النُّورُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَسْلُوكٌ فِي تَمِّ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، ثُمَّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ وَبِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَنَا، لِإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ قَدْ جَعَلَنَا حُجَّةً عَلَى الْمُقْصِرِينَ وَالْمُعَانِدِينَ وَالْمُخَالِفِينَ وَالْخَائِنِينَ وَالْأَثِمِينَ وَالظَّالِمِينَ وَالْغَاصِبِينَ مِنْ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ.

هان مردمان! «به خدا و رسول و نور همراهش ایمان آورید پیش از آن که چهره ها را تباه و باژگونه کنیم یا چونان اصحاب روز شنبه [یهودیانی که بر خدا نیرنگ آوردند] رانده شوید.» به خدا سوگند که مقصود خداوند از این آیه گروهی از صحابه اند که آنان را با نام و نسب می شناسم لیکن به پرده پوشی کارشان مأمورم. آنک هر کس پایه کار خویش را مهر و یا خشم علی در دل قرار دهد [و بداند که ارزش عمل او وابسته به آن است].

مردمان! نور از سوی خداوند عزوجل در جان من، سپس در جان ابی بن طالب، آن گاه در نسل او تا قائم مهدی - که حق خدا و ما را می ستاند - جی گرفته. چرا که خداوند عزوجل ما را بر کوتاهی کنندگان، ستیزه گران، ناسازگاران، خائنان و گنهکاران و ستمکاران و غاصبان از تمامی جهانیان دلیل و راهنما و حجت آورده است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَنْذَرْتُكُمْ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ فَدَخَلْتُ مِنْ قَبْلِي الرَّسُلُ، أَفَأَنْ مِتُّ أَوْ قُتِلْتُ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ؟ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنُهَنَّ اللَّهُ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ (الصَّابِرِينَ). أَلَا وَإِنَّ عَلِيًّا هُوَ الْمَوْصُوفُ بِالصَّبْرِ وَالشُّكْرِ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ وَوَلَدِي مِنْ صُلْبِهِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، لَا تَمُنُّوا عَلَيَّ بِإِسْلَامِكُمْ، بَلْ لَا تَمُنُّوا عَلَيَّ اللَّهُ فَيَحْبِطَ عَمَلُكُمْ وَيَسْخَطَ عَلَيْكُمْ وَبَيِّنَّا لَكُمْ بِشَوَاطِئِ مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٍ، إِنَّ رَبَّكُمْ لَيَا الْمُرْصَادِ.

هان مردمان! هشدارتان می دهم: همانا من رسول خدایم. پیش از من نیز رسولانی آمده و سپری گشته اند. آیا اگر من بمیرم یا کشته شوم، به جاهلیت عقب گرد می کنید؟ آن که به قهقرا برگردد، هرگز خدا را زیانی نخواهد رسانید و خداوند سپاسگزاران شکیباگر را پاداش خواهد داد. بدانید که علی و پس از او فرزندان من از نسل او، داری کمال شکیبایی و سپاسگزاری اند.

هان مردمان! اسلامتان را بر من منت نگذارید؛ که اعمال شما را بیهوده و تباه خواهد کرد و خداوند بر شما خشم خواهد گرفت و سپس شما را به شعله ی از آتش و مس گداخته گرفتار خواهد نمود. همانا پروردگار شما در کمین گاه است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ. مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ وَأَنَا بَرِيانٌ مِنْهُمْ. مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُمْ وَأَنْصَارَهُمْ وَأَتْبَاعَهُمْ وَأَشْيَاعَهُمْ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَيْسَ مَنَوَى الْمُتَكَبِّرِينَ. أَلَا إِنَّهُمْ أَصْحَابُ الصَّحِيفَةِ، فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ فِي صَحِيفَتِهِ!!

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَوَرَاثَةً (فِي عَقَبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ)، وَقَدْ بَلَغْتُ مَا أَمَرْتُ بِتَبْلِيغِهِمَا حُجَّةً عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَغَائِبٍ وَعَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ شَهِدَ أَوْلَمَ يَشْهَدُ، وَوَلَدٌ أَوْلَمَ يُولَدُ، فَلْيُبَلِّغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَالْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. وَسَيَجْعَلُونَ الْإِمَامَةَ بَعْدِي مُلْكًا وَاعْتِصَابًا، (أَلَا لَعَنَ اللَّهُ الْغَاصِبِينَ الْمُعْتَصِبِينَ)، وَعِنْدَهَا سَيَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَا الثَّقَلَانِ (مَنْ يَفْرُغُ) وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمَا شَوْاطِئَ مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٍ فَلَا تَنْتَصِرَانِ.

مردمان! به زودی پس از من پیشوایانی خواهند بود که شما را به سوی آتش می خوانند و در روز رستاخیز تنها وبدون یاور خواهند ماند؛ هان مردمان! خداوند و من از آنان بیزاریم. هان مردمان! آنان و یاران و پیروانشان در بدترین جی جهنم، جایگاه متکبران خواهند بود. بدانید آنان اصحاب صحیفه اند. اکنون هر کس در صحیفه ی خود نظر کند.

هان مردمان! اینک جانشینی خود را به عنوان امامت و وراثت به امانت به جی می گذارم در نسل خود تا برپایی روز رستاخیز. و حال، مأموریت تبلیغی خود را انجام می دهم تا برهان بر هر شاهد و غایب و بر آنان که زاده شده یا نشده اند و بر تمامی مردمان باشد. پس بایسته است این سخن را حاضران به غایبان و پدران به فرزندان تا برپایی رستاخیز برسانند.

آگاه باشید! به زودی پس از من امامت را با پادشاهی جابه جا نموده. آن را غصب کرده و به تصرف خویش درآورند؛ هان! نفرین و خشم خدا بر غاصبان و چپاول گران! و البته در آن هنگام خداوند آتش عذاب - شعله هی آتش و مس گداخته - بر سر شما جن و انس خواهد ریخت. آن جاست که دیگر یاری نخواهید شد.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يَكُنْ لِيَدْرِكُمْ عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ، وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ مَا مِنْ قَرِيَةٍ إِلَّا وَاللَّهُ مُهْلِكُهَا بِتَكْذِيبِهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ مُمْلِكُهَا الْإِمَامَ الْمَهْدِيَّ وَاللَّهُ مُصَدِّقٌ وَعَدَهُ. مَعَاشِرَ النَّاسِ، قَدْ ضَلَّ قَبْلَكُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ، وَاللَّهُ لَقَدْ أَهْلَكَ الْأَوَّلِينَ، وَهُوَ مُهْلِكُ الْأَخْرِيِّينَ.

هان مردمان! هر آینه خداوند عزوجل شما را به حالتان رها نخواهد کرد تا ناپاک را از پاک جدا کند. و خداوند نمی خواهد شما را بر غیب آگاه گرداند. (اشاره به آیه ی ۱۷۹ / آل عمران است.)

هان مردمان! هیچ سرزمینی نیست مگر این که خداوند به خاطر تکذیب اهل آن [حق را] ، آنان را پیش از روز رستاخیز نابود خواهد فرمود و به امام مهدی خواهد سپرد. و هر آینه خداوند وعده ی خود را انجام خواهد داد.

هان مردمان! پیش از شما، شمار فزونی از گذشتگان گمراه شدند و خداوند آنان را نابود کرد. و همو نابودکننده ی آیندگان است.

قَالَ اللهُ تَعَالَى: (أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ، ثُمَّ نُنَبِّعُهُمُ الْآخِرِينَ، كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ، وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ).
مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ اللهَ قَدْ أَمَرَني وَنَهَانِي، وَقَدْ أَمَرْتُ عَلِيًّا وَنَهَيْتُهُ (بِأَمْرِهِ). فَعَلِمُ الْأَمْرَ وَالنَّهْيَ لَدَيْهِ، فَاسْمَعُوا
لِأَمْرِهِ تَسْلَمُوا وَأَطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَأَنْهَوْا لِنَهْيِهِ تَرْشَدُوا، (وَصِيرُوا إِلَى مُرَادِهِ) وَلَا تَتَفَرَّقْ بِكُمْ السَّبِيلُ عَنْ
سَبِيلِهِ.

او خود در کتابش آورده: «آیا پیشینیان را تباہ نکردیم و به دنبال آنان آیندگان را گرفتار نساختم؟ با
مجرمان این چنین کنیم. وی بر نابوران!» هان مردمان! همانا خداوند امر و نهی خود را به من فرموده
و من نیز به دستور او دانش آن را نزد علی نهادم. پس فرمان او را بشنوید و گردن نهید و پیرویش نمایید
و از آنچه بازتان دارد خودداری کنید تا راه یابید. به سوی هدف او حرکت کنید. راه هی گونه گون شما
را از راه او باز ندارد!

بخش هفتم: پیروان اهل بیت علیهم السلام و دشمنان ایشان

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَنَا صِرَاطُ اللهِ الْمُسْتَقِيمِ الَّذِي أَمَرَكَ بِاتِّبَاعِهِ، ثُمَّ عَلِيٌّ مِنْ بَعْدِي. ثُمَّ وُلْدِي مِنْ صُلْبِهِ أُمَّةٌ
(الْهُدَى)، يَهْدُونَ إِلَى الْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ.

ثُمَّ قَرَأَ: «بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ...» إِلَى آخِرِهَا،

هان مردمان! صراط مستقیم خداوند منم که شما را به پیروی آن امر فرموده. و پس از من علی است و
آن گاه فرزندانم از نسل او، پیشوایان راه راستند که به درستی و راستی راهنمایند و به آن حکم و دعوت
کنند.

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله قرائت فرمود: «بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ» - تا آخر سوره.

وَقَالَ: فِي نَزَلَتْ وَ فِيهِمْ (وَالله) نَزَلَتْ، وَلَهُمْ عَمَتْ وَإِيَّاهُمْ حَصَّتْ، أَوْلِيَاكِ اللهُ الَّذِينَ لَأَخَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ
يَحْزَنُونَ، أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللهِ هُمُ الْغَالِبُونَ. أَلَا إِنَّ أَعْدَائَهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ الْغَاوُونَ إِخْوَانُ الشَّيَاطِينِ يُوْحَى بَعْضُهُمْ
إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا. أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللهُ فِي كِتَابِهِ، فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ: (لَا تَجِدُ قَوْمًا
يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ،
أَوْلِيَاكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ) إِلَى آخِرِ الْآيَةِ.

هان! به خدا سوگند این سوره درباره ی من نازل شده و شامل امامان می باشد و به آنان اختصاص دارد.
آنان اولی خداوند که ترس و اندوهی برایشان نیست، آگاه باشید: البته حزب خدا چیره و غالب خواهد بود.
هشدار که: ستیزندگان با امامان، گمراه و همکاران شیاطین اند. بری گمراهی مردمان، سخنان بیهوده و
پوچ را به یکدیگر می رسانند. بدانید که خداوند از دوستان امامان در کتاب خود چنین یاد کرده: «[ای
پیامبر ما] نمی یابی ایمانیان به خدا و روز بازپسین، که ستیزه گران خدا و رسول را دوست ندارند،
گرچه آنان پدران، برادران و خویشانانشان باشند. آنان [که چنین اند] خداوند ایمان را در دل هایشان نبشته
است.» - تا آخر آیه.

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ: (الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ
الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ).

(أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَرْتَابُوا).

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَانَهُمُ الَّذِينَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِسَلَامٍ آمِنِينَ، تَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ بِالسَّلَامِ يَقُولُونَ: سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوا خَالِدِينَ.

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَانَهُمْ، لَهُمُ الْجَنَّةُ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ. أَلَا إِنَّ أَعْدَائَهُمُ الَّذِينَ يَصَلُونَ سَعِيرًا.

أَلَا إِنَّ أَعْدَائَهُمُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ لِحَبَّتِهِمْ شَهِيقًا وَ هِيَ تَفُورُ وَ يَرَوْنَ لَهَا زَفِيرًا.

أَلَا إِنَّ أَعْدَائَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ فِيهِمْ: (كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعْنَتْ أُخْتَهَا) الْآيَةَ.

أَلَا إِنَّ أَعْدَائَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: (كُلَّمَا أَلْقَى فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ، قَالُوا بَلَى قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَ قُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ) إِلَى قَوْلِهِ: (الْأَفْسَحَقَا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ). أَلَا إِنَّ أَوْلِيَانَهُمُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ، لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ.

هان! دوستداران امامان ایمانیان اند که قرآن چنان توصیف فرموده: «آنان که ایمان آورده و باور خود را به شرک نیالوده اند، در امان و در راه راست هستند.»

هشدار! یاران پیشوایان کسانی هستند که به باور رسیده و از تردید و انکار دور خواهند بود.

هشدار! اولی امامان آناند که با آرامش و سلام به بهشت در خواهند شد و فرشتگان با سلام آنان را پذیرفته، خواهند گفت: «درود بر شما که پاک شده اید. اینک داخل شوید که در بهشت، جاودانه خواهید بود.»

هان! بهشت پاداش اولی آنان است و در آن بی حساب روزی داده خواهند شد.

هان! دشمنان آنان آن کسانی اند که در آتش در آیند. و همانا ناله ی افروزش جهنم

را می شنوند در حالی که شعله هی آتش زبانه می کشد و زفیر (صدی بازدم) جهنم را نیز درمی یابند.

هان! خداوند درباره ی ستیزگران با آنان فرموده: «هرگاه امتی داخل جهنم شود همتی خود را نفرین کند.»

هشدار! که دشمنان امامان همانانند که خداوند درباره ی آنان فرموده: «هر گروهی از آنان داخل جهنم شود نگاهبانان می پرسند: مگر برایتان ترساننده ی نیامد؟! می گویند: چرا ترساننده آمد لیکن تکذیب کردیم و گفتیم: خداوند وحی نفرستاده و شما نیستید مگر در گمراهی بزرگ!» تا آن جا که فرماید: «هان! نابود باد دوزخیان!»

هان! یاران امامان در نهان، از پروردگار خویش ترسانند، آمرزش و پاداش بزرگ بری آنان خواهد بود.

هان مردمان! چه بسیار راه است میان آتش و پاداش بزرگ!

مَعَاشِرَ النَّاسِ، شَتَّانَ مَا بَيْنَ السَّعِيرِ وَالْأَجْرِ الْكَبِيرِ.

(مَعَاشِرَ النَّاسِ)، عَدُونَا مَنْ دَمَّهُ اللهُ وَلَعَنَهُ، وَ وَلِيْنَا (كُلُّ) مَنْ مَدَحَهُ اللهُ وَ أَحَبَّهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَلَا وَإِنِّي (أَنَا) النَّذِيرُ وَ عَلِيَّ الْبَشِيرُ.

(مَعَاشِرَ النَّاسِ)، أَلَا وَ إِنِّي مُنذِرٌ وَ عَلِيٌّ هَادٍ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ (أَلَا) وَ إِنِّي نَبِيٌّ وَ عَلِيٌّ وَصِيٌّ.

(مَعَاشِرَ النَّاسِ)، أَلَا وَإِنِّي رَسُولٌ وَ عَلِيٌّ الْإِمَامُ وَ الْوَصِيُّ مِنْ بَعْدِي، وَ الْأَيْمَةُ مِنْ بَعْدِهِ وَ لُدَّهُ. أَلَا وَإِنِّي وَالِدُهُمْ وَ هُمْ يَخْرُجُونَ مِنْ صُلْبِهِ).

هان مردمان! خداوند ستیزه جویان ما را ناستوده و نفرین فرموده و دوستان ما را ستوده و دوست دارد.

هان مردمان! بدانید که همانا من اندازگرم و علی مزده دهنده.

هان! که من بیم دهنده ام و علی راهنما.

هان مردمان! بدانید که من پیامبرم و علی وصی من است.

هان مردمان! بدانید که همانا من فرستاده و علی امام و وصی پس از من است. و امامان پس از او فرزندان اویند.

آگاه باشید! من والد آنانم ولی ایشان از نسل علی خواهند بود.

بخش هشتم: حضرت مهدی عجل الله فرجه الشريف
أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَيْمَةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ.

أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ.

أَلَا إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ.

أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الحُصُونِ وَ هَادِيهَا.

أَلَا إِنَّهُ غَالِبُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشِّرْكِ وَ هَادِيهَا.

أَلَا إِنَّهُ الْمُدْرِكُ بِكُلِّ ثَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللهِ.

أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِديِنِ اللهِ.

أَلَا إِنَّهُ الْغَرَّافُ مِنْ بَحْرِ عَمِيقٍ.

أَلَا إِنَّهُ يَسِمُ كُلَّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَ كُلَّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ.

أَلَا إِنَّهُ خَيْرُ اللَّهِ وَ مُخْتَارُهُ.

أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَ أَلْ مُحِيطُ بِكُلِّ فَهْمٍ.

أَلَا إِنَّهُ أَلْ مُخْبِرُ عَن رَّبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ أَلْ مُشِيدُ لِأَمْرِ آيَاتِهِ.

أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ السَّدِيدُ.

أَلَا إِنَّهُ الْمَفُوضُ إِلَيْهِ.

أَلَا إِنَّهُ قَدْ بَشَّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ مِنَ الْقُرُونِ بَيْنَ يَدَيْهِ.

أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةً وَ لَاحِجَةً بَعْدَهُ وَ لَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ وَ لِأَنْوَرِ الْإِعْنَدَةِ.

أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَ لَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ.

أَلَا وَإِنَّهُ وَ لَى اللَّهُ فِي أَرْضِهِ، وَ حَكْمُهُ فِي خَلْقِهِ، وَ أَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَ عَلَانِيَتِهِ.

آگاه باشید! همانا آخرین امام، قائم مهدی از ماست. هان! او بر تمامی ادیان چیره خواهد بود.

هشدار! که اوست انتقام گیرنده از ستمکاران.

هشدار! که اوست فاتح دژها و منهدم کننده ی آنها.

هشدار! که اوست چیره بر تمامی قبایل مشرکان و راهنمی آنان.

هشدار! که او خونخواه تمام اولیای خداست.

آگاه باشید! اوست یاور دین خدا.

هشدار! که از دریایی ژرف پیمانہ هایی افزون گیرد.

هشدار! که او به هر ارزشمندی به اندازه ی ارزش او، و به هر نادان و بی ارزشی به اندازه ی نادانی اش نیکی کند.

هشدار! که او نیکو و برگزیده ی خداوند است.

هشدار! که او وارث دانش ها و حاکم بر ادراک هاست.

هان! بدانید که او از سوی پروردگارش سخن می گوید و آیات و نشانه هی او را برپا کند. بدانید همانا اوست بالیده و استوار.

بیدار باشید! هموست که [اختیار امور جهانیان و آیین آنان] به او واگذار شده است.

آگاه باشید! که تمامی گذشتگان ظهور او را پیشگویی کرده اند.

آگاه باشید! که اوست حجت پایدار و پس از او حجتی نخواهد بود. (۲) درستی و راستی و نور و روشنایی تنها نزد اوست.

هان! کسی بر او پیروز نخواهد شد و ستیزنده ی او یاری نخواهد گشت.

آگاه باشید که او ولی خدا در زمین، داور او در میان مردم و امانتدار امور آشکار و نهان است.

(۲) این تعبیر به عنوان حجت و امامت است و نظری به رجعت دیگر امامان ندارد زیرا آنان حجت های پیشین اند که دوباره رجعت خواهند نمود.

بخش نهم: مطرح کردن بیعت

مَعَاشِرَ النَّاسِ، اِنِّی قَد بَيَّنْتُ لَكُمْ وَ اَفْهَمْتُكُمْ، وَ هَذَا عَلٰی يَفْهَمُكُمْ بَعْدِي. اَلَا وَاِنِّی عِنْدَ اِنْقِضَاءِ خُطْبَتِي اَدْعُوْكُمْ اِلٰی مُصَافَقَتِي عَلٰی بَيْعَتِهِ وَ الْاِقْرَارِ بِهٖ، ثُمَّ مُصَافَقَتِهِ بَعْدِي. اَلَا وَاِنِّی قَد بَايَعْتُ اللّٰهَ وَ عَلٰی قَدِّ بَايَعَنِي. وَ اَنَا اَخِذُكُمْ بِالْبَيْعَةِ لَهٗ عَنِ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ. (اِنَّ الَّذِيْنَ يُبَايِعُوْنَكَ اِنَّمَا يُبَايِعُوْنَ اللّٰهَ، يَدُلُّ اللّٰهَ فَوْقَ اَيْدِيْهِمْ. فَمَنْ نَكَثَ فَاِنَّمَا يَنْكُثُ عَلٰی نَفْسِهٖ، وَ مَنْ اَوْفٰی بِمَا عَاهَدَ عَلَیْهِ اللّٰهُ فَسَيُؤْتِيْهِ اَجْرًا عَظِيْمًا).

هان مردمان! من پیام خدا را برایتان آشکار کرده تفهیم نمودم. و این علی است که پس از من شما را آگاه می کند. اینک شما را می خوانم که پس از پایان خطبه با من و سپس با علی دست دهید تا با او بیعت کرده به امامت او اقرار نمایید. آگاه باشید من با خداوند و علی با من پیمان بسته و من اکنون از سوی خدی عزوجل بری امامت او پیمان می گیرم. «[ی پیامبر] آنان که با تو بیعت کنند هر آینه با خدا بیعت کرده اند. دست خدا بالی دستان آنان است. و هر کس بیعت شکند، بر زیان خود شکسته، و آن کس که بر پیمان خداوند استوار و باوفا باشد، خداوند به او پاداش بزرگی خواهد داد.

بخش دهم: حلال و حرام، واجبات و محرمات

مَعَاشِرَ النَّاسِ، اِنَّ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللّٰهِ، (فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ اَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ اَنْ يَطَّوَّفَ بِهَمَا) الْاَيَّة.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، حُجُّو الْبَيْتَ، فَمَا وَرَدَهٗ اَهْلُ بَيْتِ الْاِثْمَانِ وَ اَبْشِرُوا، وَ لَا تَخْلَفُوا عَنْهُ الْاَبْتَرُوا وَ افْتَقَرُوا.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَا وَفَّ بِالْمَوْفِقِ مُؤْمِنٌ اِلَّا عَفَرَ اللّٰهُ لَهٗ مَا سَلَفَ مِنْ ذَنْبِهٖ اِلٰی وَفْتِهٖ ذَالِكَ، فَاِذَا اِنْقَضَتْ حَجَّتُهٗ اسْتَأْتَفَ عَمَلُهٗ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، الْحَجَّاجُ مُعَانُونَ وَ نَفَقَاتُهُمْ مُخْلَفَةٌ عَلَيْهِمْ وَ اللّٰهُ لَا يُضِيعُ اَجْرَالِ الْمُحْسِنِيْنَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، حُجُّو الْبَيْتَ بِكَمَالِ الدِّيْنِ وَ التَّقْوٰهِ، وَ لَا تَنْصَرِفُوا عَنِ الْمَشَاهِدِ اِلَّا بِتَوْبَةٍ وَ اِقْلَاعِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، اَقِيْمُوا الصَّلَاةَ وَ اَتُوا الزَّكَاةَ كَمَا اَمَرَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ، فَاِنْ طَالَ عَلَيْكُمُ الْاَمَدُ فَقَصِّرْتُمْ اَوْ نَسِيْتُمْ فَعَلٰی وَّلِيْكُمْ وَ مُبَيِّنٌ لَّكُمْ، الَّذِي نَصَبَهُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ لَكُمْ بَعْدِي اَمِيْنٌ خَلْفِهٖ. اِنَّهٗ مِنِّي وَ اَنَا مِنْهٗ، وَ هُوَ وَ مَنْ تَخَلَّفَ مِنْ ذُرِّيَّتِي يُخْبِرُوْنَكُمْ بِمَا تَسْأَلُوْنَ عَنْهٗ وَ يَبَيِّنُوْنَ لَكُمْ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ.

هان مردمان! همانا حج و عمره از شعائر و آداب و رسوم خدایی است. پس زائران خانه ی خدا و عمره کنندگان بر صفا و مروه بسیار طواف کنند.

هان مردمان! در خانه ی خدا حج گزارید؛ که هیچ خاندانی داخل آن نشد مگر بی نیاز شد و مزده گرفت، و کسی از آن روی برنگردانید مگر بی بهره و نیازمند گردید.

هان مردمان! مؤمنی در موقف (عرفات، مشعر، منا) نماند مگر این که خدا گناهان گذشته ی او را بیامزد و بایسته است که پس از پایان اعمال حج [با پرونده ی پاک] کار خود را از سر گیرد.

هان مردمان! حاجیان دستگیری شده اند و هزینه هی سفرشان جبران می شود و جایگزین آن به آنان خواهد رسید. و البته خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نخواهد کرد.

هان مردمان! خانه ی خدا را با دین کامل و دانش ژرفی آن دیدار کنید و از زیارتگاهها جز با توبه و بازایستادن [از گناهان] برنگردید.

هان مردمان! نماز را به پا دارید و زکات بپردازید همان سان که خداوند عزوجل امر فرموده. پس اگر زمان بر شما دراز شد و کوتاهی کردید یا از یاد بردید، علی صاحب اختیار و تبیین کننده ی بر شماسست. خداوند عزوجل او را پس از من امانتدار خویش در میان آفریدگانش نهاده. همانا او از من و من از اویم. و او و فرزندان من از جانشینان او، پرسش هی شما را پاسخ دهند و آن چه را نمی دانید به شما می آموزند.

أَلَا إِنَّ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ أُحْصِيَهُمَا وَأَعْرِفَهُمَا فَأَمَرَ بِالْحَلَالِ وَ أَنْهَى عَنِ الْحَرَامِ فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ، فَأَمَرْتُ أَنْ أَخَذَ الْبَيْعَةَ مِنْكُمْ وَالصَّفْقَةَ لَكُمْ بِقَبُولِ مَا حُنْتُ بِهِ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ الَّذِينَ هُمْ مِنِّي وَمِنْهُ إِمَامَةٌ فِيهِمْ قَائِمَةٌ، خَاتَمُهَا الْمَهْدِيُّ إِلَى يَوْمِ يَلْقَى اللَّهُ الَّذِي يُقَدَّرُ وَيَقْضَى.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، وَ كُلِّ حَلَالٍ دَلَلْتُمْ عَلَيْهِ وَ كُلِّ حَرَامٍ نَهَيْتُمْ عَنْهُ فَإِنِّي لَمْ أَرْجِعْ عَنْ ذَلِكَ وَ لَمْ أَبْدَلْ. أَلَا فَادْكُرُوا ذَلِكَ وَ احْفَظُوهُ وَ تَوَاصَوْا بِهِ، وَ لَا تُبَدِّلُوهُ وَ لَا تُعَيِّرُوهُ. أَلَا وَ إِنِّي أَجِدُّ الْقَوْلَ: أَلَا فَاقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ اتُوا الزَّكَاةَ وَ امْرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ انْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ.

هان! روا و ناروا بیش از آن است که من شمارش کنم و بشناسانم و در این جا یکباره به روا فرمان دهم و از ناروا بازدارم. از این روی مأمورم از شما بیعت بگیرم که دست در دست من نهید در مورد پذیرش آن چه از سوی خداوند آورده ام درباری علی امیرالمؤمنین و اوصیای پس از او که آنان از من و اویند. و این امامت به وراثت پایدار است و فرجام امامان، مهدی است و استواری امامت تا روزی است که او با خداوند قدر و قضا دیدار کند.

هان مردمان! شما را به هرگونه روا و ناروا راهنمایی کردم و از آن هرگز برنمی گردم. بدانید و آگاه باشید! آن ها را یاد کنید و نگه دارید و یکدیگر را به آن توصیه نمایید و در آن [احکام خدا] دگرگونی راه ندهید. هشدار که دوباره می گویم: بیدار باشید! نماز را به پا دارید. و زکات بپردازید. و امر به معروف کنید و از منکر بازدارید.

أَلَا وَإِنَّ رَأْسَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ أَنْ تَنْتَهُوا إِلَى قَوْلِي وَتُبَلِّغُوهُ مَنْ لَمْ يَحْضُرْ وَ تَأْمُرُوهُ بِقَبُولِهِ عَلَيَّ وَتَنْهَوُهُ عَن مَخَالَفَتِهِ، فَإِنَّهُ أَمْرٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَمِنِّي. وَ لَا أَمْرٌ بِمَعْرُوفٍ وَ لَا نَهْيٌ عَن مُنْكَرٍ إِلَّا مَعَ إِمَامٍ مَعْصُومٍ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، الْقُرْآنُ يُعَرِّفُكُمْ أَنَّ الْأَيْمَةَ مِنْ بَعْدِهِ وُلْدُهُ، وَعَرَفْتُمْكُمْ إِنَّهُمْ مِنِّي وَمِنْهُ، حَيْثُ يَقُولُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ: (وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ). وَقُلْتُ: «لَنْ تَضِلُّوا مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا».

مَعَاشِرَ النَّاسِ، التَّقْوَى، التَّقْوَى، وَاحْذَرُوا السَّاعَةَ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: (إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ). اذْكُرُوا الْمَمَاتَ (وَالْمَعَادَ) وَالْحِسَابَ وَالْمَوَازِينَ وَالْمُحَاسَبَةَ بَيْنَ يَدَيْ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالنُّوَابَ وَالْعِقَابَ. فَمَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ أَثِيبَ عَلَيْهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَيْسَ لَهُ فِي الْجَنَّةِ نَصِيبٌ.

و بدانید که ریشه ی امر به معروف این است که به گفته ی من [درباره ی امامت] برسید و سخن مرا به دیگران برسانید و غایبان را به پذیرش فرمان من توصیه کنید و آنان را از ناسازگاری سخنان من بازدارید؛ همانا سخن من فرمان خدا و من است و هیچ امر به معروف و نهی از منکر جز با امام معصوم تحقق و کمال نمی یابد.

هان مردمان! قرآن بر شما روشن می کند که امامان پس از علی فرزندان اویند و من به شما شناساندم که آنان از او و از من اند. چرا که خداوند در کتاب خود می گوید: «امامت را فرمانی پایدار در نسل او قرار داد...» و من نیز گفته ام که: «مادام که به قرآن و امامان تمسک کنید، گمراه نخواهید شد.»

هان مردمان! تقوا را، تقوا را رعایت کرده از سختی رستخیز بهر اسید همان گونه که خداوند عزوجل فرمود: «البته زمین لرزه ی روز رستخیز حادثه ی بزرگ است...»

مرگ، قیامت، و حساب و میزان و محاسبه ی در برابر پروردگار جهانیان و پاداش کیفر را یاد کنید. آن که نیکی آورد، پاداش گیرد. و آن که بدی کرد، بهره ی از بهشت نخواهد برد.

بخش یازدهم: بیعت گرفتن رسمی

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّكُمْ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُصَافِقُونِي بِكَفٍّ وَاجِدٍ فِي وَقْتٍ وَاجِدٍ، وَقَدْ أَمَرَنِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَنْ أَخْذَ مِنْ أَلْسِنَتِكُمْ الْإِقْرَارَ بِمَا عَقَدْتُ لِعَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَلِمَنْ جَاءَ بَعْدَهُ مِنَ الْأَيْمَةِ مِنِّي وَمِنْهُ، عَلِيٌّ مَا أَعْلَمْتُكُمْ أَنَّ ذُرِّيَّتِي مِنْ صَلْبِهِ.

فَقُولُوا بِأَجْمَعِكُمْ: «إِنَّا سَامِعُونَ مُطِيعُونَ رَاضُونَ مُنْقَادُونَ لِمَا بَلَّغْتَ عَنْ رَبِّنَا وَرَبِّكَ فِي أَمْرِ إِمَامِنَا عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ وُلِدَ مِنْ صَلْبِهِ مِنَ الْأَيْمَةِ نُبَايَعُكَ عَلَى ذَلِكَ بِقُلُوبِنَا وَأَنْفُسِنَا وَالسِّنِّتِنَا وَأَيْدِينَا. عَلَى ذَلِكَ نَحْيِي وَ عَلَيْهِ نَمُوتُ وَ عَلَيْهِ نُبْعَثُ. وَلَا نَعْيَرُ وَلَا نُبَدِّلُ، وَلَا نَشْكُ (وَلَا نَجْحَدُ) وَلَا نَرْتَابُ، وَلَا نَرْجِعُ عَنِ الْعَهْدِ وَلَا نَنْقُضُ الْمِيثَاقَ.»

هان مردمان! شما بیش از آنید که در یک زمان با یک دست من بیعت نمایید. از این روی خداوند عزوجل به من دستور داده که از زبان شما اقرار بگیرم و پیمان ولایت علی امیرالمؤمنین را محکم کنم و نیز بر امامان پس از او که از نسل من و اویند؛ همان گونه که اعلام کردم که ذریه من از نسل اوست.

پس همگان بگویند:

«البته که سخنان تو را شنیده پیروی می کنیم و از آن ها خشنودیم و بر آن گردن گذار و بر آن چه از سوی پروردگاران در امامت امامان علی امیرالمؤمنین و امامان دیگر - از صلب او - به ما ابلاغ کردی، با تو پیمان می بندیم با دل و جان و زبان و دست هایمان. با این پیمان زنده ایم و با آن خواهیم

مرد و با آن اعتقاد برانگیخته می شویم. و هرگز آن را دگرگون نکرده شک و انکار نخواهیم داشت و از عهد و پیمان خود بر نمی گردیم.

وَعَظَّمْنَا بَوَ عِظِ اللَّهِ فِي عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَيْمَةِ الَّذِينَ ذَكَرْتَ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنْ وُلْدِهِ بَعْدَهُ، الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَمَنْ نَصَبَهُ اللَّهُ بَعْدَهُمَا. فَالْعَهْدُ وَالْمِيثَاقُ لَهُمْ مَاخُودٌ مَتًّا، مِنْ قُلُوبِنَا وَأَنْفُسِنَا وَالسِّنِّتِنَا وَضَمَائِرِنَا وَأَيْدِينَا. مَنْ أَدْرَكَهَا بِيَدِهِ وَالْإِفْقَدُ أَقْرَّ بِلِسَانِهِ، وَلَا نَبْتَغِي بِذَلِكَ بَدَلًا وَلَا يَبْرَى اللَّهُ مِنْ أَنْفُسِنَا جَوْلًا. نَحْنُ نُؤَدِي ذَالِكَ عَنْكَ الدَّانِي وَالْقَاصِي مِنْ أَوْلَادِنَا وَأَهَالِينَا، وَنُشْهَدُ اللَّهَ بِذَالِكَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا وَأَنْتَ عَلَيْنَا بِهِ شَهِيدٌ

مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَا تَقُولُونَ؟ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ كُلَّ صَوْتٍ وَخَافِيَةٍ كُلِّ نَفْسٍ، (فَمَنْ اهْتَدَى فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيَّهَا)، وَمَنْ بَايَعَ فَإِنَّمَا يُبَايِعُ اللَّهَ، (يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، فَبَايِعُوا اللَّهَ وَ بَايِعُونِي وَبَايِعُوا عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَالْأَيْمَةَ (مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ) كَلِمَةً بَاقِيَةً.

[ی رسول خدا] ما را به فرمان خدا پند دادی درباره ی علی امیرالمؤمنین و امامان از نسل خود و او، که حسن و حسین و آنان که خداوند پس از آنان برپا کرده است. پس عهد و پیمان از ما گرفته شد از دل و جان و زبان و روح و دستانمان. هر کس توانست با دست و گرنه با زبان پیمان بست. و هرگز پیمانمان را دگرگون نخواهیم کرد و خداوند از ما شکست عهد نبیند. و نیز فرمان تو را به نزدیک و دور از فرزندان و خویشان خود خواهیم رسانید و خداوند را بر آن گواه خواهیم گرفت. و هر آینه خداوند بر گواهی کافی است و تو نیز بر ما گواه باش.

هان مردمان! چه می گوئید؟ همانا خداوند هر صدایی را می شنود و آن را که از دل ها می گذرد می داند. «هر آن کس هدایت پذیرفت، به خیر خویش پذیرفته. و آن که گمراه شد، به زیان خود رفته.» و هر کس بیعت کند، هر آینه با خداوند پیمان بسته؛ که «دست خدا بالای دستان آن هاست.»

هان مردمان! اینک با خداوند بیعت کنید و با من پیمان بندید و با علی امیرالمؤمنین و حسن و حسین و امامان پس از آنان از نسل آنان که نشانه ی پایدارند در دنیا و آخرت.

يُهْلِكُ اللَّهُ مَنْ عَدَرَ وَ يَرْحَمُ مَنْ وَ فَي، (وَ مَنْ نَكَتْ فَإِنَّمَا يَنْكُتُ عَلَى نَفْسِهِ وَ مَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، قُولُوا الَّذِي قُلْتُ لَكُمْ وَسَلِّمُوا عَلَى عَلِيٍّ بِأَمْرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَقُولُوا: (سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ)، وَقُولُوا: (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ) الْآيَةَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ فَضَائِلَ عَلِيٍّ بِنِ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَ قَدْ أَنْزَلَهَا فِي الْقُرْآنِ - أَكْثَرُ مِنْ أَنْ أُحْصِيَهَا فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ، فَمَنْ أَنْبَأَكُمْ بِهَا وَ عَرَفَهَا فَصَدَّقْهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ عَلِيًّا وَ الْأَيْمَةَ الَّذِينَ ذَكَرْتُمْ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا.

خداوند مکاران را تباہ می کند و به باو فایان مهر می ورزد. «هر که پیمان شکند»

جز این نیست که به زیان خود گام برداشته، و هر که بر عهدی که با خدا بسته پابرجا ماند، به زودی خدا او را پاداش بزرگی خواهد داد.»

هان مردمان! آن چه بر شما برگفتم بگوئید و به علی با لقب امیرالمؤمنین سلام کنید و بگوئید: «شنیدیم و فرمان می بریم پروردگارا، آمرزشت خواهیم و بازگشت به سوی تو است.» و نیز بگوئید: «تمام سپاس و ستایش خدایی راست که ما را به این راهنمایی فرمود وگرنه راه نمی یافتیم» - تا آخر آیه.

هان مردمان! هر آینه برتری هی علی بن ابی طالب نزد خداوند عزوجل - که در قرآن نازل فرموده - بیش از آن است که من یکباره برشمارم. پس هر کس از مقامات او خبر داد و آن ها را شناخت او را تصدیق و تأیید کنید.

هان مردمان! آن کس که از خدا و رسولش و علی و امامانی که نام بردم پیروی کند، به رستگاری بزرگی دست یافته است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، السَّابِقُونَ إِلَى مُبَايَعَتِهِ وَ مُوَالَاتِهِ وَ التَّسْلِيمِ عَلَيْهِ بِإِمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ فِي جَنَاتِ النَّعِيمِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، قُولُوا مَا يَرْضَى اللَّهُ بِهِ عَنْكُمْ مِنَ الْقَوْلِ، فَإِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا.

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ (بِمَا أَدْبَيْتُ وَأَمَرْتُ) وَأَغْضِبْ عَلَيَّ (الْجَاهِدِينَ) الْكَافِرِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

هان مردمان! سبقت جویان به بیعت و پیمان و سرپرستی او و سلام بر او با لقب امیرالمؤمنین، رستگار اند و در بهشت هی پر بهره خواهند بود.

هان مردمان! آن چه خدا را خشنود کند بگوئید. پس اگر شما و تمامی زمینیان کفران ورزند، خدا را زیبایی نخواهد رسانید.

پروردگارا، آنان را که به آن چه ادا کردم و فرمان دادم ایمان آوردند، بیامرزد. و بر منکران کافر خشم گیر! و الحمد لله رب العالمین.

واحد مسابقات مسجد جامع غدیر خم

تذکر مهم :

سعی کنیم تمام زندگیمان برای ظهور مولایمان امام زمان (عج) بهترین و بالاترین خاصیت ها را داشته باشد و از لحاظ ایمانیات ، اخلاقیات ، روانیات و حتی امیال مان اشبه به امام علیه السلام باشد. و رضایت مادر مهربانان حضرت فاطمه الزهرا سلام الله علیها را مد نظر قرار دهیم . چون رضایت خدا در گرو رضایت مادر مهربانان است.

ما را از دعای خیر خود فراموش نکنید.
ان شالله همه شما از زمینه سازان و یاوران مهدی فاطمه سلام الله علیها باشید.
همیشه مولایمان امام علی علیه السلام را با صفات بشناسیم.

"علی شاهد

علی عنده علم الكتاب

علی ولی الامر

علی مقسم الامر

علی مدبر الامر

علی امیر المومنین علیه السلام"

کانال اینستاگرام مسجد جامع غدیر خم
@masjed_ghadirkhom
سایت مسجد جامع غدیر خم
masjedeghadirkhom.ir